



تمام زور جلیلی
تهدید ظریف به برخورد امنیتی



روشنگر بی عقده
گزارش شب داریوش شایگان



تبعیض بی دلیل
درباره ممنوعیت موتورسواری زنان



غیبت معنادار

چرا ایران خودرو و سایپا
در نمایشگاه خودرو شرکت نکردند؟



یادداشت روز

مگر ظریف در داووس چه گفت؟

چرا از مصاحبه نیم ساعته پرچالش
در عرصه جهانی، تنها دو، سه دقیقه آن را
به صورت تحریف شده علم کردند؟



کوروش احمدی
دیپلمات پیشین

اعتراضات عده‌ای معهود اما پرسروصدا، توأم با شعار «سرگ بر» و «اعدام باید گردد» و... علیه ظریف مرا ناچار کرد که بالاخره ویدئوی کامل مصاحبه ظریف با فرید زکریا را با دقت بینم. هرچه بیشتر دیدم بیشتر بر حیرت افزوده شدم؛ چون چیزی در گفته‌های ایشان نیافتم، جز دفاعی منسجم و مستدل از جمهوری اسلامی و رد روایت‌های رایج در دنیا درباره تحولات منطقه و داخل طی ماه‌های اخیر. تردید ندارم کسانی که با شعار اعدام باید گردد به ظریف تاختند، سخنان او را نشنیده‌اند. بر اصحاب هیاهو حرجی نیست اما با اظهارات برخی دیگر مانند رئیس مجلس چه کنیم؟ آقای قالیباف گفته است که «کارگزاران نظام» باید مواظب باشند» پیامی به دشمن منتقل نشده و منافع ملی به خطر نیفتد و اضافه کرده‌اند که «برداشت موضع ضعف از نظام مقتدر ایران، باعث خطای محاسباتی آمریکا و افزایش فشار اقتصادی می‌شود». این واقعاً حیرت‌انگیز است. ایشان از کجای مصاحبه ظریف الفای «موضع ضعف از نظام مقتدر ایران» را استنباط کرده‌اند. یا کجای گفته‌های ظریف در حکم انتقال پیام به دشمن و به «خطر انداختن منافع ملی بوده است». انتظار حداقلی از انصاف، انتظار زیادی نیست.

یکی از فرازهای سخنان ظریف که ظاهراً موجب خشم و هیاهو شد، آنجاست که می‌گوید: «اگر به جای پزشک‌ها، جلیلی بود یک جنگ عمده در منطقه می‌داشتیم». اما آیا این درست است که از یک مصاحبه یک عبارتی را بیرون بکشیم و پیراهن عثمان کنیم، بدون توجه به کلیت بحث؟ ظریف این را گفت. اما این حرف را در مقام مقابله با سخن مستمر فرید زکریا زد که می‌گفت، «تو اینجا هر چه بگویی بی‌اهمیت است» چون «کنترل سیاست ایران در دست تدر و هاست». زکریا همان حرفی را می‌زد که در جریان انتخاب تم اصلی بحث‌ها بود و آن اینکه رئیس‌جمهور در ایران کارهای نیست و آن سخن ظریف در مقام رد این گزاره بود. اشاره به تردد زنان بی‌حجاب در خیابان‌های ایران و درخواست دولت پزشک‌ها به تعلیق اجرای قانون حجاب نیز باید در متنش دیده شود.

زکریا گفت، در عربستان از قول زنان عربستانی شنیده که امروز آنها آزادی‌های بیشتری از زنان ایران دارند. او همچنین در پاسخ به اشاره ظریف به حضور ۴ زن در کابینه پزشک‌ها، پرسید که آیا «آنها می‌توانند بدون حجاب در دولت حاضر شوند». ظریف در پاسخ به این و بسیاری تقابل‌های کلامی و جدل‌های دیگر بود که آن جمله را گفت. ضمن اینکه سخن او در واقع چیزی جز بیان امر واقع نبود؛ امر واقعی که در تمام کائنات ششاید تنها خواجeh حافظ شیرازی از آن بی‌خبر باشد. خود آقای قالیباف مگر در پاسخ به اعتراضات مدعیان در مورد عدم ابلاغ قانون حجاب در ۲۳ آذر نگفت: «همان مرجعی که این تاریخ را به ما ابلاغ کرده بود، مجدداً آن را تمدید کرد؟» ایشان باید توضیح دهد، کجای این سخنان ظریف «منافع ملی را به خطر می‌اندازد» یا «ضعف نظام مقتدر» را تداعی می‌کند. قابل درک است کسانی که شعار اعدام باید گردد و... می‌دهند، اهداف سیاسی خود را دارند و هر چیزی را ممکن است، بهانه کنند اما آقای قالیباف چرا بی‌منطق آب به آسیاب آن جماعت می‌ریزد.

مهم‌تر اینکه، جای تأسف است که از یک مصاحبه نیم ساعته پرچالش در یک عرصه جهانی که ظرف سه چهار روز ۱۴۲ هزار بار دیده شده تنها دو، سه دقیقه آن را علم کنند، آن هم به صورت تحریف شده.

ادامه در صفحه ۳

مدیریت بازار

سازندگی بررسی می‌کند: **عبدالناصر همتی** وزیر اقتصاد و **حجت‌الله صیدی** رئیس سازمان بورس چگونه توانستند در وضعیت نابسامان اقتصاد کشور، التهاب را از بازار سهام دور کنند؟

پارسا مردانی
گروه اقتصاد

بازار سهام دیگر مثل گذشته خسته و خموش نیست و سهامداران مدت‌هاست حال‌وروز بهتری را تجربه می‌کنند. کسی دیگر تجمع و تحصن نمی‌کند و مدت‌هاست شعار «حیا کن، رها کن» سر داده نمی‌شود. همه اینها مدیون دولت چهاردهم و برنامه‌های اصلاحی این دولت است و به طور مشخص این امتیاز را باید به نام تیم اقتصادی دولت به فرماندهی عبدالناصر همتی نوشت. آقای همتی با انتصاب‌های قابل قبول و تدوین برنامه‌های خوب موفق شد، التهاب را از بازارها دور کند و به طور مشخص، آرامش را به بازار سهام هدیه کند. بیایید به ابتدای سال بازگردیم و روزهایی را به یاد بیآوریم که سهامداران به طور کامل از بازار سهام ناامید

شده بودند. روزهایی که معامله‌گران نگران و ناامید از آینده، برای خروج از بازار این پا و آن پا می‌کردند. حتی تا روزهای منتهی به انتخاب مسعود پزشکیان، کسی فکرش را نمی‌کرد که صحنه به سود نامزد اصلاح‌طلب چیده شود اما این اتفاق رخ داد و خیلی‌ها خوشحال و خرسند شدند که دست‌کم با رای خود از تخریب بیشتر ایران جلوگیری کرده‌اند. اکنون اما قضیه فرق می‌کند و آنها که رای دادند و آنها که رای ندادند و حتی

آنها که مخالف مسعود پزشکیان بودند این روزها شاهد بالا رفتن شاخص‌ها از کم‌کم اقتصاد ایران هستند. ممکن است بگویید بازارها هنوز التهاب دارند و گرد نااطمینانی هنوز پاک نشده که درست هم می‌گویید اما با مواضع دیروز رهبر انقلاب و عزم دولت برای تعادل‌بخشی به روابط با شرق و غرب به نظر می‌رسد بازارها دیگر بهانه‌ای برای بی‌ثباتی ندارند و بدون شک، پس از سال‌ها، بازارهای مالی سال را با آرامش و اطمینان

نسبی به پایان می‌رسانند. اگر چاشنی بمب نااطمینانی در بازارها خنثی شود و مین‌های کار گذاشته شده در اقتصاد ایران یکی یکی از کار بیفتند، شکی نیست که سال آینده، سال سلطانی بازار سهام خواهد بود. خبرها حاکی از آن است که مدیران بازار سهام، چند سورپرایز ویژه برای هفته‌های آخر سال کنار گذاشته‌اند. یکی از این عیدانه‌ها، عرضه اولیه سهام دیجی‌کالا است که می‌تواند به مثابه بمب ماه بهمن باشد. این غول بزرگ احتمالاً ظرف دو هفته آینده در بازار اصلی عرضه می‌شود و شکی نیست که با استقبال سهامداران مواجه خواهد شد. از سوی دیگر، مجوز مذاکرات از سوی رهبر انقلاب صادر شده که این بار می‌تواند با ورود سرمایه‌های خارجی به بازار همراه شود که در این صورت، شاید سال آینده قیمت خیلی از سهام شرکت‌های بورس تهران دیگر در دسترس من و شما نباشد.

ادامه در صفحه ۶



کانال سازندگی

ما اهل مذاکره‌ایم

خبر: حمیدرضا حاجی‌بابایی، نایب‌رئیس مجلس دوازدهم در گفت‌وگوی ویژه خبری درباره ارتباط با آمریکا گفت: ما با آمریکا و هیچ جای جهان دشمنی نداریم. فلسفه بحث این است که زندگی درست و براساس انسانیت داشته باشیم. آمریکا این را قبول ندارد. ما در جهان به دنبال زندگی بهتر هستیم. ما اکنون می‌بینیم برای زندگی کردن باید بجنگیم. ما می‌جنگیم تا زندگی بهتری داشته باشیم. ما اهل مذاکره هستیم. اما مذاکره یعنی اینکه دو نفر مقابل هم عادلانه صحبت کنند. وی افزود: آمریکا می‌گوید، ایران نباید در صحنه بین‌الملل حضور داشته باشد و نباید انرژی هسته‌ای داشته باشد. من به شما می‌گویم که چگونه زندگی کنید. این مدل مذاکره عادلانه نیست. ما با هر جای جهان به غیر از صهیونیست‌ها حاضر به مذاکره هستیم. اما مذاکره باید عادلانه باشد.

نظر: حاجی‌بابایی از نمایندگان اصولگرای مجلس در حالی از مذاکره با آمریکا سخن گفت که با روی کار آمدن دولت چهاردهم یکی از مهم‌ترین رویکردهای دولت جدید، تعامل با دنیا و مذاکره بوده است. حال در این بین شاید باشند تفکراتی که مذاکرات را راهگشای حل بسیاری از مشکلات داخلی ندانند اما به اعتقاد اغلب صاحب‌نظران به‌خصوص در شرایط کنونی منطقه و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، باب مذاکره با تمام کشورهای دنیا باید باز باشد. حتی اگر آمریکا که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جدیدش همانی است که ۸ سال پیش و پس از روی کار آمدن، برجام را پاره کرد.

بررسی ماهوی مجلس؟

خبر: احمد بخشایش‌اردستانی، نماینده مجلس می‌گوید که تنها در شرایطی مجلس بار دیگر می‌تواند به لایحه FATF را بررسی محتوایی کند که در مجمع تشخیص این لایحه رد شود و بررسی از اول شروع شود زیرا مجلس یک بار نظرش و موافقت خود با پیوستن کامل ایران به FATF را اعلام کرده است. او درباره این موضوع که اخیراً علی‌نکراده، نایب رئیس مجلس گفته است که قرار است یکشنبه هفته آینده مجلس در جلسه غیرعلنی، موضوع FATF را مورد بحث قرار دهد به نام‌نویزگت: «منظور آقای نکراده هم از برگزاری جلسه غیرعلنی مجلس درباره FATF این نیست که مجلس می‌خواهد بار دیگر وارد عرصه تصمیم‌گیری محتوایی شود و این جلسه احتمالاً به بررسی اوضاع و احوال مساله FATF می‌پردازد؛ مثلاً آنچه تا امروز پیش آمده است و بررسی نقطه‌نظرات مثبت و منفی درباره پیوستن به FATF در واقع جلسه یکشنبه درباره FATF جلسه‌ای مشورتی و تحلیلی است نه بررسی ماهیتی».

نظر: با دستور رئیس‌جمهور پیش‌شکین و موافقت رهبری، پرونده FATF مجدداً در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال بررسی است. هرچند هنوز عده‌ای باور دارند که پیوستن به FATF یعنی درز اطلاعاتی اما واقعیت این است که نیوستن به FATF مشکلات زیادی را به وجود آورده است؛ تا حدی که یک فرد از داخل ایران نمی‌تواند به راحتی یک حساب خارجی باز کند و دولت هم نمی‌تواند به راحتی مبادله اقتصادی داشته باشد.

عیادت خاتمی از مهرعلیزاده

خبر: سیدمحمد خاتمی و سیدعلی خاتمی سه‌شنبه ۹ بهمن ۱۴۰۳ (روز عید مبعث) برای عیادت از مهندس محسن مهرعلیزاده به منزل او رفته و جوایحی حالش شدند. به گزارش «راه و جاه» محسن مهرعلیزاده، معاون سابق و رئیس سازمان تربیت‌بدنی دولت سیدمحمد خاتمی که طی ماه‌های گذشته به دلیل بیماری و مشکل بد کارکردی کبد در بستر بیماری و در دوره درمان قرار داشت و در نهایت این پروسه درمانی به پیوند کبد منتهی شد. وی همچنان در دوره نقاهت به سر می‌برد و دوره بعد از پیوند کبد را سپری می‌کند.

نظر: محسن مهرعلیزاده در دولت هفتم از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ استاندار خراسان و در دولت هشتم از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ به عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان تربیت‌بدنی فعالیت می‌کرد. او مدتی نیز قائم‌مقام مدیرعامل شهاب خودرو، عضو هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و معاون سازمان انرژی اتمی ایران بود.



رعایت همه جوانب

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت: در مورد مسائل مطرح شده درخصوص موضوع کرسنت و گزارش دولت در این زمینه باید گفت که موضوع کرسنت هرازگاهی به‌ویژه در ایام انتخابات مطرح می‌شود، حتماً دولت پس از انجام بررسی‌های لازم، گزارشی در این موضوع بسا در نظر گرفتن ملاحظات و رعایت همه جوانب ارائه خواهد کرد.



موارد اعتراضی

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: در مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت بررسی موارد مورد اصرار نمایندگان در مورد لایحه بودجه جلسه‌ای داریم تا این موارد را نهایی کنیم اما اعتراض ما اینگونه بوده است که زمان زیادی برای دو بخش بند الف ماده ۱۸۲ صرف شد. در رفت‌وبرگشت بین شورای نگهبان و مجمع زمان زیادی صرف شد و هم اکنون اگر طبق زمان‌بندی بخواهیم عمل کنیم از سال عبور می‌کنیم.

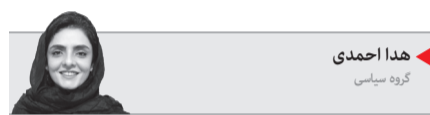


حق مردم

محسنی‌اژدهی، رئیس قوه قضائیه: گاهی برخی افراد، ادعایی حقوقی یا کیفری دارند، اما زبان و قلم اثبات ادعای خود را ندارند؛ گاهی فردی ذی‌حق است، اما ادله و مدارک اثبات ادعای خود را در نزد محکمه ندارد و چون علم برای قاضی ایجاد نمی‌شود، رای به نفع او صادر نمی‌شود و سبب نارضایتی آن فرد می‌شود. آیا از خودمان می‌پرسیم که چه مقدار نسبت به بیت‌المال حساس هستیم؟

تمام زور جلیلی

سعید جلیلی خواستار برخورد امنیتی با محمدجواد ظریف شد!



هدا احمدی
گروه سیاسی

گویا سخنان محمدجواد ظریف در داووس که گفته بود اگر امروز به جای پزشکیان، جلیلی را به عنوان رئیس جمهوری داشتیم، ممکن بود جنگ بزرگی در منطقه در جریان باشد، سعید جلیلی را عصبانی‌تر از گذشته کرده است. کم‌اینکه چند روز پیش جلیلی در واکنش به سخنان ظریف گفت: به‌عنوان مدعیان پیشرفت کشور، باید بدانیم مسیر درست کدام است و درک کنیم، چرا مسیر خطا نادرست است. او تأکید کرد که درحالی که دستگاه‌های امنیتی و اداری مسئولیت خود را دارند، مهم‌تر این است که نادرستی حرف‌های مطرح شده به افکار عمومی شناسانده شود تا افکار عمومی بتوانند آن را محکوم کنند. اینجا اهمیت تبیین به خوبی مشخص می‌شود. وی افزود: «در ۶ ماهی که گذشت، دیدیم که می‌گفتند اگر ما نمی‌آمدیم جنگ می‌شد، دیدیم که در آخر به واقعیت رسیدند و فهمیدند که ما باید با روسیه کار کنیم.» جلیلی حتی از جمله این مهم است که دیگر به یکی از کلیدواژه‌های حتی محاوره‌ای هم تبدیل شده است، استفاده کرد. نشان به آن نشان که محمدجواد ظریف زمان کاندیداتوری مسعود پزشکیان چندین بار تأکید کرده بود که مهم است چه کسی در پاستور می‌نشیند. اما جلیلی در سخنان خود تأکید کرد: «نادرستی حرفی که مطرح شده برای مردم و افکار عمومی مطرح می‌شود و این مهم است که آن حرف نادرست در افکار عمومی محکوم شود. عرصه سیاست خارجی رمانتیک نیست و واقعی است و نباید با چشم بستن بر واقعیت‌ها حرکت کرد. عده‌ای در مناظرات انتخاباتی می‌گفتند، دنیا فلان‌طور است و باید فلان‌طور رفتار کرد».

بسیاری معتقدند، جریان‌هایی که در مجلس علیه ظریف و دولت هجمه درست می‌کنند و به هر بهانه‌ای تجمع راه می‌اندازند، طیف نزدیک به جلیلی هستند. گویا این روند میراثی است که ظریف تا همین امروز هم به دوش می‌کشد. سعید جلیلی و دوستانش هرگز از ظریف خوششان نمی‌آمد. در مجلس شدیدترین حملات را به او داشتند. از غیرقانونی و جاسوس خواندن او تا نسبت دادن مذاکرات پنهان به معاون راهبردی رئیس‌جمهور. هرچند سفر ظریف به داووس به جای خود واکنش‌برانگیز بود. مخالفان ظریف از همان ابتدا که ظریف، وزیر امور خارجه دولت روحانی بود تا امروز که معاون راهبردی مسعود پزشکیان است از اهرمی برای از میدان به در کردن محمدجواد ظریف استفاده کردند، این بار بهانه جدیدشان سفر او به داووس بود. مهدی عرب‌صادق، فعال اصولگرا که به نام‌نویز می‌گوید: «اظهارات محمدجواد ظریف در داووس درباره حجاب خانم‌های تهرانی، دوباره تدریجاً سوپرانوایی را رنگ گردنی کرد. عصبانیت تدریجاً آنقدر بالا بود که شبانه جلسه گذاشتند و در تقسیم کاری هماهنگ رگباری در صحن علنی مجلس تقاضای تریبون کردند تا ظریف را مورد تفقد قرار دهند».

مخالف دیرینه ظریف

آن‌طور که مشخص است، جلیلی و یارانش قصد ندارند به دولت کمک کنند. آنها محمدجواد ظریف را اهرمی برای حمله به پزشکیان کرده‌اند و به نظر می‌رسد، آغاز جنگ روانی تدریجاً علیه دولت پایانی ندارد. به هر سو، این اولین بار نیست که جلیلی رقیب اصلی مسعود پزشکیان در ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ شخصاً به ظریف

طعنه می‌زند. ۲۱ آذرماه ۱۴۰۳ هم جلیلی در هشتادمین جلسه حکمت سیاسی اسلام در قرآن خطاب به ظریف و البته بدون ذکر کردن نامش گفته بود: «شما یک زمانی می‌گفتید که راه‌حل این است که برویم، توافق کنیم و با این توافق مسائل را حل کنیم سپس مذاکره و توافق کردید و شما هر تعهدی که داشتید را انجام دادید اما طرف کلاً خارج می‌شود. بعد همان شخص دوباره سر کار آمده [ترامپ] و شما پیشاپیش دارید، مطلب می‌نویسید که ما حاضریم در موارد جدید توافق کنیم. تنش‌زدایی به چه قیمت؟ در این شرایط حساس کشور آمده و می‌گوید، ملت ما خسته‌اند و ما از فلسطینی‌ها، فلسطینی‌تر شده‌ایم، تو اصلاً نمی‌فهمی چه می‌گویی؟»

البته نباید فراموش کنیم که ظریف علاوه بر حائز اهمیت بودن چهره خودش، یکی از بال‌های اصلی دولت مسعود پزشکیان است که اگر نباشد، کار دولت در حوزه سیاست خارجی کمی مشکل‌تر خواهد شد. لذا طیف وابسته به جلیلی و خود او انگیزه بالایی برای ناکارآمد جلوه دادن دولت دارند. جلیلی در اولین واکنش‌اش پس از استقرار مسعود پزشکیان در دولت در پیامی خطاب به مردم درباره کابینه پیشنهادی دولت چهاردهم بیان کرد: «امروز وظیفه همه ما این است که به پیشرفت کشور در ۴ سال آینده به دولت و به مجلس کمک کنیم. همه مردم باید به دولت کمک کنند تا در ۴ سال آینده پیشرفت کشور رقم بخورد». دولت سایه را باید با سعید جلیلی شناخت. او تاکنون و حتی زمانی که دولت محبوبش، یعنی دولت ابراهیم رئیسی روی کار بود نیز حتی یک صفحه هم به‌الگویی دیدگاهی‌اش در این باره عینیت نبخشیده است تا در معرض قضاوت صاحب‌نظران و کارشناسان قرار گیرد. جلیلی که دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی ایران هم بود و همواره ادعا داشت که از تمام سیاستمداران ایرانی، چه در حوزه داخل و چه در حوزه خارجی بیشتر می‌داند، یک بار سال ۹۲ و یک بار سال ۱۴۰۰ و چندمین بار در مناظرات انتخاباتی ۱۴۰۳ سخن گفت و آن‌طور که خودش می‌گوید، هدف او از تشکیل دولت سایه، نظارت بر عملکرد دولت رسمی و ارائه راه‌حل‌های جایگزین برای مسائل مختلف کشور بود. این اقدام جلیلی بیشتر به عنوان یک تلاش برای حفظ حضور و نفوذ در صحنه سیاسی کشور و آماده‌سازی برای آینده‌ای که ممکن است دوباره وارد عرصه رقابت‌های ریاست‌جمهوری شود، تلقی می‌شود.

سعید جلیلی هر گاه تریبون به دست می‌گیرد، درحالی در تمام امور دولت چهاردهم نظر می‌دهد و البته نهایی هم به ظریف می‌زند که اتفاقاً به روایت عصر ایران، رئیس‌جمهور

همین دولت وفاق اول آذرماه در دیدار با سعید جلیلی به او پیشنهاد کرده تا مسئولیتی مثل استانداری را بپذیرد. همچنین یک هفته بعد از اعلام اسامی وزرای پیشنهادی کابینه به مجلس و رفت‌وآمد وزرای پیشنهادی به کمیسیون‌ها خبری مبنی بر جلسه جلیلی با جمعی از نمایندگان مجلس و اعضای کابینه دولت سیزدهم منتشر شد، درست یک روز قبل از بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی در صحن علنی. اما جلسه جلیلی با نمایندگان آن هم با محور کابینه پیشنهادی ضرورتی داشت، هرگز معلوم نشد. او حدود ۳ ماه پیش هم به باشگاه خبرنگاران جوان با بیان اینکه حرف از توافق جدید با غرب اشتباه است با طعنه به مسعود پزشکیان گفت: «برخی به دنبال توافقی جدید هستند، این کار، خطایی بزرگ است». وقتی ظریف وزیر امور خارجه در دولت‌های دوازدهم بود، یعنی یک سال پیش از روی کار آمدن دولت سیزدهم، سعید جلیلی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در توییت نوشت: «بدتر از فشار اقتصادی دشمن، آن است که کسانی در داخل کشور با آنکه شاهد این دشمنی آشکار هستند، می‌گویند اگر لازم باشد مجدداً مذاکره خواهیم کرد؛ مگر دفعات قبل که لازم دیدید، چه فرجامی را به ارمغان آوردید؟»

این اظهارات تند جلیلی درحالی مطرح شد که وزیر خارجه وقت در گفت‌وگویی تأکید کرده بود: «من طرفدار منافع ملی ایران هستم. اگر منافع ملی ایران و مردم مستلزم این باشد که مذاکره کنیم، مذاکره می‌کنم. در هیچ مذاکره‌ای شما نمی‌توانید به طرف مقابل‌تان اعتماد کنید. روابط بین‌الملل براساس بی‌اعتمادی است. برای همین است اگر قرار بود به کسی اعتماد کنیم، برجام ۱۵۰ صفحه نمی‌شد بلکه دو صفحه می‌شد که ما می‌گفتیم ما سلاح هسته‌ای نمی‌خواهیم و آنها هم می‌گفتند، تحریم‌ها را برمی‌داریم». ظریف تأکید کرده بود: «با اعتماد در روابط بین‌الملل سازگاری ذهنی ندارم. با ضد این و آن بودن موافق نیستیم. معتمد منافع ملی را باید دنبال کنیم و اگر روزی این منافع ملی مستلزم آن است که مذاکره کنیم، این کار را انجام دهیم؛ البته بعد از اینکه همه مقام‌های کشور مذاکره را تأیید کردند».

مخلص کلام اینکه در نهایت، این روند تکراری مخالفان محمدجواد ظریف و به احتمال قوی دولت چهاردهم که مسائل مهم و ملی کشور را به سوژه‌ای برای حمله به دیگر مسئولان و رقبای داخلی تبدیل می‌کنند، نه تنها به منافع ملی آسیب می‌زند بلکه تصویر کشور را در عرصه بین‌المللی نیز خدشه‌دار می‌کند.

دیدگاه: گزارش خارجی

در ششمین نشست گفت‌ووشنود پیرامون «نظم جهانی و سیاست خارجی ایران» مطرح شد:

ظریف: آمریکا را غل‌وزنجیری می‌دانم که باید از پای سیاست خارجی ایران باز شود



محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور و وزیر سابق امور خارجه کشورمان در ششمین نشست گفت‌ووشنود پیرامون «نظم جهانی و سیاست خارجی ایران» با عنوان «چشم‌انداز تحولات منطقه و جهان در دوره ترامپ» در محل موسسه «مطالعات ایران و اوراسیا» (ایراس) گفت: قطب‌بندی جدید در سطح بین‌المللی در آینده نزدیک شکل نخواهد گرفت. برخی این وضعیت را برپایی نوعی هرج‌ومرج می‌دانند اما به نظر بنده الزاماً هرج‌ومرج رخ نخواهد داد. این به معنی شرایط جدید بین‌المللی است که ما «اتلاف‌های موقتی مبتنی بر موضوع» به جای «قطب‌بندی‌های دائمی» خواهیم داشت. اینکه ما دیگر شاهد وفاداری نخواهیم بود در همین اتلاف‌های موقتی موضوعی، قابل تفسیر است. ممکن است برخی از این اتلاف‌ها به دلیل موضوع و هدف شکل‌گیری آن طولانی‌تر هم باشند. معاون راهبردی رئیس‌جمهور در بخش پایانی این نشست گفت: با دوستان موافق هستم که سیاست خارجی ایران باید از منطقه شروع شود اما ما باید سایه یک مزاحم را از سر سیاست خارجی ایران برداریم. من آمریکا را یک فرصت برای سیاست خارجی ایران نمی‌بینم، آمریکا را مزاحمت یا غل‌وزنجیری می‌دانم که باید از پای سیاست خارجی ایران باز شود. من در بخش‌های پایانی کتاب خود با عنوان «پایاب شکیبایی» به این موضوع اشاره کردم که اگر ما می‌خواهیم با آفریقا یا اروپا رابطه داشته باشیم این رابطه نباید در قالب دعوی با آمریکا تعریف شود چرا که در این دعوا، کسی جانب ما را نمی‌گیرد. ما نیازی به برقراری رابطه دوستانه با آمریکا نداریم بلکه باید کاری کنیم که دیگران وقتی با ما رابطه برقرار می‌کنند، احساس نکنند باید با آمریکا دعوا کنند چرا که در این صورت ما را انتخاب خواهند کرد؛ کم‌اینکه می‌بینیم که الان هم این کار را نمی‌کنند.

ایرنا

ادامه یادداشت روز

مگر ظریف در داووس چه گفت؟

بقیه مصاحبه ظریف در مورد رد روایت ضعف ایران بعد از تجاوزات و جنایات اسرائیل، بحث مستقل و قائم به ذات بودن مقاومت فلسطین، اینکه بدون تشکیل کشور فلسطین مساله فلسطین حل نخواهد شد، رد روایت صهیونیسم در مورد منشأ ایرانی داشتن مخالفت با اسرائیل، رد استدلال ضعیف شدن دفاع هوایی ایران، بحث جنایات اسرائیل و بی‌حیثیت شدن سران آن، بحث اینکه جمهوری اسلامی یک اینچ زمین از دست نداده، اینکه جمهوری اسلامی همچنان مانند اوایل انقلاب برای مردم جهان الهام‌بخش است و می‌تواند در همه دنیا مردم را به خیابان بیاورد، نقش اسرائیل و افراطیون در خارج شدن آمریکا از برجام و ...

آقای قالیباف و مقامات مادون و مافوق ایشان باید بدانند که در روز واقعه هیچ‌کسی را جز ظریف ندارند که بتواند در عرصه بین‌المللی به دانشان برسد. کار در چنان عرصه‌ای، دانش و قابلیت می‌خواهد که من در شخص دیگری در بین ابواب جمعی نظام سراغ ندارم. از آقای پزشکیان هم انتظار بیش از این بود. او باید تاکنون متوجه شده باشد که «دعوا نکنیم» جایی در سیاست که عرصه تعارض منافع افشار مختلف مردم و نمایندگان آنهاست، ندارد. تنها گذاشتن ظریف از جانب او و دیگر همکارانش در دولت قطعاً آخر و عاقبت خوبی برای هیچ‌کس نخواهد داشت.



درخواست دمشق از مسکو

همزمان با سفر یک هیات بلندپایه رسمی از روسیه به ریاست میخائیل بوگدانوف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه در امور کشورهای آفریقایی و غرب آسیا به سوریه و دیدار وی با احمد الشرح، رئیس دولت موقت سوریه، رویترز به نقل از منبع مطلع سوریه اعلام کرد که وی از روسیه درخواست کرده تا فشار اسد، رئیس‌جمهور سابق این کشور را به دمشق تحویل دهند.



بازجویی از نخست‌وزیر ایتالیا

جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا در پیامی که در رسانه‌های اجتماعی منتشر کرده است، گفت که از سوی دادستان‌های کشورش به اختلاس، کمک و تبانی در ارتباط با پرونده یک شهروند لیبی تحت پیگرد دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) متهم شده و تحت بازجویی دادستان‌های ایتالیایی قرار گرفت. براساس قانون ایتالیا تحت بازجویی قرار گرفتن به منزله گناهکار بودن نیست و جرم رسمی تلقی نمی‌شود.



مخالفت برلین با طرح ترامپ

اولاف شولتس، صدراعظم آلمان بعد از آنکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا طرح انتقال فلسطینی‌ها از نوار غزه به کشورهای مانند مصر و اردن را مطرح کرد، تأکید داشت که اخراج فلسطینی‌ها از غزه «غیر قابل قبول» است. شولتس گفت: «بسیار صریح می‌گویم که هر گونه طرح برای جابه‌جایی و اخراج شهروندان از غزه به مصر یا اردن غیر قابل قبول است».

آتش‌بس و عادی‌سازی

استیون ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ در غرب آسیا با سفر به ریاض و تل‌آویو روند احیای توافق ابراهیم و آتش‌بس غزه را پیگیری شد



حالی است که ریاض بارها اعلام کرده که شرط اصلی اش برای این اقدام، تشکیل کشور مستقل فلسطین است.

مخالفت جهانی با طرح ترامپ

آنچه به موازات سفر ویتکاف به عربستان و اسرائیل باید مورد نظر قرار بگیرد این است که یک موج مخالفت جدی از سوی کشورهای گوناگون با طرح ترامپ برای انتقال ساکنان غزه به مصر و اردن به راه افتاده است. به عنوان مثال حوزه مانوئل آلبارس، وزیر خارجه اسپانیا درخصوص پیشنهاد ترامپ اعلام کرد که غزه متعلق به ملت فلسطین است که در آن زندگی می‌کنند و باید در آنجا بمانند. ما باید برای ایجاد یک زندگی جدید به آنها کمک کنیم. وی افزود: ما باید مراقب شهرک‌نشینان تدریجی باشیم که بی‌گناهان را در کرانه باختری به قتل می‌رسانند؛ چراکه ایجاد شهرک‌های غیرقانونی، نقض قوانین بین‌المللی است و سازمان ملل بارها آن را محکوم کرده است.

از سوی دیگر ژان نول بارو، وزیر خارجه فرانسه نیز اعلام کرده که هرگونه کوچاندن اجباری فلسطینی‌های غزه غیر قابل قبول است. چنین اقدامی نقض خطرناک قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود. اولاف شولتس، صدراعظم آلمان هم در سخنانی اعلام کرد که پیشنهاد ترامپ برای انتقال فلسطینی‌ها از غزه به مصر و اردن غیر قابل قبول است.

عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر هم (چهارشنبه) و در واکنش به طرح دونالد ترامپ گفت که آنچه در مورد آوارگی فلسطینیان گفته می‌شود به دلیل تأثیر آن بر امنیت ملی مصر قابل تحمل یا مجاز نیست. اردن هم دقیقاً همین موضع را اتخاذ کرده است. در همین راستا وال استریت ژورنال در گزارش اخیر خود نوشته است که ترامپ نقشه راه مشخصی برای تأمین صلح در غزه در صورت تمدید بازه زمانی توافق آتش‌بس به مدتی بیش از ۴۲ روز اولیه آن ارائه نکرده و او در این میان در پی عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و اسرائیل است که نشان می‌دهد، او و تیمش صرفاً در حال تأمین امنیت اسرائیل زیر پوشش‌های جدید و با اسامی تازه هستند.

این وقایع در حالی رخ داده که دفتر هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل اعلام کرد که بیش از ۳۷۶ هزار فلسطینی بین صبح دوشنبه تا ظهر سه‌شنبه به شمال نوار غزه بازگشتند و نشان از کشیدن خط بطلان بر پروژه ترامپ است.

فلسطینی‌هایی که پس از اعلام آتش‌بس با پای پیاده به سمت مناطق شمالی غزه می‌روند: مردمی که همچون رودخانه‌ای طولانی و پریچ‌وخم به سمت فردایی نامعلوم می‌روند، گواهی است بر عزم جامعه‌ای که با وجود مصیبت گران، مصمم به بازگشت و بازسازی خانه‌های ویرانشان هستند».

الجزیره خاطرنشان کرد: «آنچه که از آن به عنوان فشار ترامپ برای آتش‌بس در غزه یاد می‌شود، بیشتر با هدف تحسین او در آستانه مراسم تحلیفش صورت گرفت و واضح است که این رئیس‌جمهور هرگز فلسطینی‌ها را انسان‌هایی درخور توجه نمی‌داند و تلاش وی برای توافق آتش‌بس با هدف دستاویزی برای سرزنش و نکوهش سیاست خارجی جو بایدن بود و در اصل ما شاهد یک اقدام با درون‌مایه رقابت حزبی بودیم».

الجزیره استدلال کرده است که ترامپ به عنوان فرمانده کل قوای ایالات متحده و وفادار به اسرائیل همچون بشکه باروت، اسب تروایی است که نیت اصلی خود را پنهان کرده است. الجزیره در اثبات این موضوع به اظهارات اخیر ترامپ در مورد پاک‌سازی غزه و فرستادن فلسطینیان به اردن و مصر اشاره کرده و هدف او را برای کوچ اجباری فلسطینیان از همان ابتدای کار عیان و آشکار دانسته است. به گزارش ایرنا به اعتقاد این رسانه قطری، «بی‌تردید فعالان حوزه املاک و مستغلات هم از این اقدام ترامپ سود کلانی به دست می‌آورند و راه برای شهرک‌نشینان اسرائیلی و ساخت استراحتگاه‌های ساحلی باز می‌شود. می‌توان مطمئن بود که ذره‌ذره این نقشه شوم و خطرناک از افکار پلید بتسالل اسموتریچ وزیر دارایی اسرائیل، جرد کوشنر داماد ترامپ و استیو ویتکاف فرستاده رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه نشأت می‌گیرد که اتفاقاً او هم در حرفه املاک و مستغلات فعال است.

نکته بسیار مهمی که در این راستا باید مورد نظر قرار بگیرد این است که تیم ترامپ باز هم در ابتدای راه به دنبال آن هستند تا بتوانند موضوع توافق عادی‌سازی عربستان و اسرائیل را عملیاتی کنند و در این مسیر این پرونده را طی ۴ سال ریاست جمهوری وی محقق کنند. اینکه ویتکاف ابتدا به عربستان سفر می‌کند و در آنجا با مشاور محمود عباس به گفت‌وگو می‌نشیند سپس به اسرائیل سفر می‌کند، نشان می‌دهد که او و ترامپ به دنبال آن هستند تا نقش عربستان را بازسازی غزه بیشتر کنند و در این میان فضا را برای عادی‌سازی دو طرف هموار کنند اما این در

گروه بین‌الملل: با گذشت بیش از یک هفته از روی کار آمدن دونالد ترامپ در کاخ سفید و شروع دولت دوم وی؛ تحرکات تیم وی در حوزه سیاست خارجی به سرعت در حال شکل گرفتن است. در ابتدای راه دولت ترامپ مهاجران کشورهای آمریکای لاتین را از خاک ایالات متحده اخراج کرد و حالا هم تحرکات جدید را در عرصه خاورمیانه شاهد هستیم. در این راستا استیون ویتکاف، کارآفرین و توسعه‌دهنده املاک و مستغلات آمریکایی که به عنوان فرستاده ویژه ایالات متحده در غرب آسیا از سوی ترامپ انتخاب شده به عربستان سعودی سفر کرده است.

بنابر گزارش‌های منتشر شده، او (سه‌شنبه) برای دیدار با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی به ریاض سفر کرده است. در این خصوص آکسیوس در گزارش خود نوشته است که ویتکاف در اولین سفر خود به عربستان سعودی با حسین الشیخ، مشاور ارشد محمود عباس، رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین دیدار کرده است. این رسانه آمریکایی اعلام کرده که دیدار بین ویتکاف و حسین الشیخ در بحبوحه تلاش‌های دولت ترامپ برای پایان دادن به جنگ در غزه و پیشبرد توافق صلح میان عربستان و رژیم اسرائیل انجام گرفته است. منابع مطلع به آکسیوس اعلام کرده‌اند که این دیدار نتیجه چندین هفته مذاکرات پشت پرده بین مقامات دولت ترامپ و تشکیلات خودگردان فلسطین بوده و عربستان سعودی نقش میانجی را در برگزاری این دیدار ایفا کرده است اما کاخ سفید، سفارت عربستان در واشنگتن و حسین الشیخ از اظهارنظر در این باره خودداری کرده‌اند.

این دیدار اما پایان کار ویتکاف در منطقه نبود بلکه فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در امور غرب آسیا بعد از ظهر چهارشنبه با پرواز خصوصی مستقیم از عربستان وارد اراضی اشغالی شد. او که قرار است در جریان این سفر با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و دیگر مقام‌های این رژیم در شهر قدس با هدف بحث درباره اجرای توافق آتش‌بس اسرائیل - حماس دیدار کند ضمن این سفر به غزه هم سفر کرده و با همراهی ران درمر، وزیر امور راهبردی اسرائیل به بازدید از کریدور تساریم در داخل نوار غزه رفته است. بر اساس گزارش آکسیوس، این بازدید ویتکاف به منزله اولین بازدید یک مقام دولتی ایالات متحده از نوار غزه در مدت دست کم ۱۵ سال اخیر محسوب می‌شود. به گزارش ایسنا ویتکاف همچنین درخواست کرده تا با ۷ اسیر اسرائیلی که از زمان اجرایی شدن توافق آتش‌بس در ۱۹ ژانویه با حماس تاکنون آزاد شده‌اند، دیدار کند.

ویتکاف و منافع اسرائیل

بسیاری از رسانه‌های آمریکایی و عربی در خصوص سفر استیون ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه نوشته‌اند که او با مقامات عربستان سعودی درباره توافق جامع در منطقه خاورمیانه، که شامل اجرای مرحله دوم آتش‌بس، بازگشت آوارگان فلسطینی، بازسازی نوار غزه و ادامه مسیر عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل است، رایزنی کرده اما در این میان الجزیره یک روایت عمیق‌تر را بیان کرده است.

الجزیره در مطلبی با عنوان «طرح نسل‌کشی ترامپ برای پاک‌سازی غزه از همان ابتدا در دستور کار بود» می‌نویسد: «واضح است که ترامپ برای برقراری آتش‌بس در غزه، تنها به منافع اسرائیل و املاک و مستغلات می‌اندیشد. تماشای

روشن فکر بی عقده

گزارش شب داریوش شایگان و رونمایی کتاب سلوک در کناره‌ها

گفتار

مرقع کاری بازی گوشانه

سخنرانی محمدمنصور هاشمی در شب شایگان

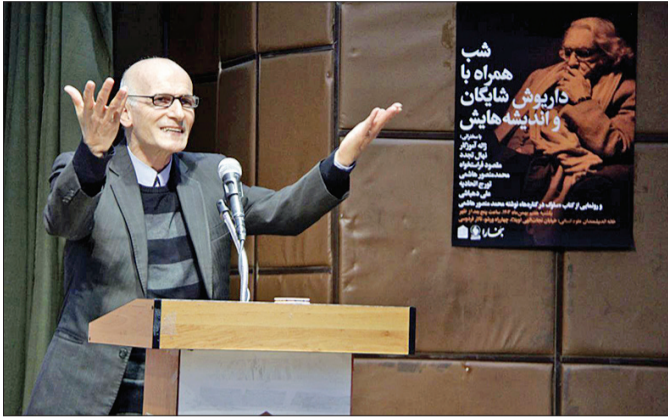


آخرین سخنران «شب همراه با داریوش شایگان و اندیشه‌هایش» محمدمنصور هاشمی، پژوهشگر حوزه‌های فلسفه، ادبیات و دین و نویسنده کتاب «داریوش شایگان، سلوک در کناره‌ها» بود. هاشمی با عصا و ناخوش احوال روی سن آمد و پشت میکروفن قرار گرفت و لیلی گفتار و رفتارش، گاهی آمیخته با مزاح و مطایبه بود و لبخند و هم‌دلی مخاطبان در سالن را به همراه داشت.

منصور هاشمی ضمن اشاره به پیشینه ارتباط و چگونگی رفاقتش با شایگان که پس از نشر دو اثرش به نام‌های «هویت‌اندیشان و میراث فکری فردید» و «آمیزش افق‌ها» که متوجه نگاه و اندیشه داریوش شایگان بود، رخ نمود به جوهره اندیشه شایگان پرداخت و گفت: «همین دو کتاب، موجب تقویت دوستی مان شد، آن هم زمانی که ۲۸ ساله بودم، آثار زندگی‌نامه شایگان را به دقت از همان سنت‌گرایی‌اش آغاز کردم تا دوره‌های بعد که من فقط سه دوره می‌بینم برخلاف نگاه جناب دکتر فراس‌تخواه که ۵ فصل و دوره شمردند. دهه آخر عمر شایگان، کنار ایشان و آثارشان بودم. من به شایگان تاریخی نگاه نکردم بلکه جوهره نگاه و اندیشه شایگان را دیدم که ماندگاری دارد. ایشان در رونمایی‌های کتاب‌هایشان مرا هم دعوت می‌کردند، مثل روز رونمایی کتاب «در جست‌وجوی فضاهای گمشده»‌شان و دیگر آثارشان و این‌ها دوستی ما را محکم‌تر می‌کرد و حاصل این دیدارها و خوانش آثارشان تا روز درگذشت‌شان، شد همین کتاب «سلوک در کناره‌ها».

برای همین هم هست که عنوان فرعی کتاب را «همراه با داریوش شایگان و اندیشه‌هایش» گذاشتم. در دهه پایانی کنار ایشان بودم و خیلی از آثارشان را قبل از انتشار می‌خواندم. یکی از نکته‌هایی که برایم جالب بود و پرس‌وجو کرده بودم در آن سال‌های آخر زندگی آقای شایگان، این بود که مایل بودند، فصلی درباره زنان و دختران ایران به زندگی‌نامه‌شان اضافه کنند. یعنی می‌خواستند زندگی‌نامه‌شان را با همین موضوع تمام کنند؛ و این اتفاق عجیبی است. من بعد آن ماجراهای زن، زندگی، آزادی که پیش آمد، شگفت‌زده شده بودم که چقدر آدم تیزی‌بین بود و از خانم کیانوش انصاری پرسیدم متأسفانه عمرشان کفاف نداده بود که آن بخش را بنویسند. نکته‌هایی را الان جناب فراس‌تخواه مطرح کردند که نظر خودم را می‌گویم، ممکن هم هست، نظرم اشتباه باشد.

همین بحث دوره‌بندی‌های آثار شایگان بود. معتقدم ایشان سه دوره‌ای بودند. اول، سنت‌گرایی بودند، همان جوانی‌شان از سنت‌گرایی بیرون می‌آیند. آثار اندیشه سنت‌گرایی در کتاب «ادیان و مکتب‌های فلسفی هند» دیده می‌شود. ایشان دست‌پرورده هانری کرین بود و متعلق به حلقه ارنست (در واقع حلقه یونگی)؛ و بر همین سبب باقی ماند تا آخر عمر. بین دوره اول و سوم، یک خط فریدی - هایدگری داشت. زمان انقلاب هم با ناراحتی از فرید جدا شد. این‌جا تحول ایجاد می‌شود و دریافت که آن رویکرد نقادانه‌ای که در غرب است، این‌جا تبدیل به پشتوانه ایدئولوژیک می‌شود. در دوره دومش «انقلاب دینی چیست؟»، «نگاه شکسته: اسکیزوفرنی فرهنگی» نوشته می‌شود و تا «افسون‌زدگی جدید» ادامه می‌یابد. در این دوره بود که آقای شایگان گفتند برای جامعه ما فلسفه کانت، بهداشتی‌تر است. مفهوم «تعطیلات تاریخ» هم در همین دوره دوم و در کتاب «نگاه شکسته» مطرح شد. چند سالی کتابی نمی‌نویسد و داستان «درخت گلابی» گلی ترقی و فیلم زندگی‌نامه داریوش مهرجویی بر اساس زندگی شایگان در این مدت بازه زمانی است. دوره سوم حیات اندیشه‌نگاری ایشان هم با «افسون‌زدگی جدید و هویت چهل تکه» آغاز می‌شود و به این جمع‌بندی می‌رسد که ما مرقع کاری ایدئولوژیک نباید کنیم بلکه باید «مرقع کاری بازی گوشانه» کنیم. آخرین نکته را هم بگویم. آقای فراس‌تخواه از منظر اجتماعی دیدند و موضوع شریعتی را مطرح کردند. ما دو سطح، تاریخ اندیشه‌نگاری داریم. یکی تاریخ اندیشه‌ها و دوم تاریخ فکر است. در دومی است که با زمینه‌ها کار دارند. در اولی با ایده‌ها و درستی و غلطی‌شان سر و کار داریم. من با دومی کاری ندارم و در پی استدلال آدم‌ها هستم.»



یک فرض کوچیتوی دکارتی به ما القا می‌کند، نخبان ما در یک وضعیت استعلائی هستند. می‌اندیشند، پس هستند و بر فراز ابرها اندیشه‌هایی به دست می‌دهند. اما گویا چنین نیست. نخبان ما فارغ از کنش معرفت‌زا و همه خلاقیت‌های فکری و ابداعات‌شان به شدت بافت‌مند و موقعیت‌مند هستند. «فراس‌تخواه با طرح این پرسش که شایگان از کدام بافت برخاست؟ در مقام مقایسه تطبیقی دو جهان و بستر رشد و پرورش شایگان و شریعتی برآمد و گفت: «شایگان از یک بافت خانوادگی طبقه متوسط ایرانی، لایه‌های بالایی، نجبا و اشراف ایران، مادری گرجی و پدری از سلسله و تبریز، دو مذهب متفاوت سنی و شیعی با معلم ارمنی و پزشک زرتشتی، آموزش زبان فرانسه و انگلیسی در سنین ابتدایی، از مدرسه سن لویی ایران تا رشد دوره کودکی در اروپا. یک نوستالژی، یک تحسیر، حس حسرت به فرهنگ و تاریخ ایران و یک موقعیت شغلی در سکوت دنج پژوهشگاهی در جوار دولت، در رأس مرکز مرکزی مطالعه فرهنگ‌ها، تحت حمایت و با همکاری و مخاطبان دانش‌پژوه و فرهیخته. حالا مقایسه کنید با شریعتی، از لایه‌های پایین طبقه متوسط برخاسته، معلمی از کویر، سنت خانوادگی‌اش متفاوت، دین‌اندیشی تجددخواه، کانون نشر حقایق اسلامی، رؤیاهای فرورخوده جنبش ملی، حساب‌های تسویه‌نشده با دولت و به جای مکان‌های پژوهشگاهی، در مجامع بسیار پرتب و تاب دانشجویی در حسینیه ارشاد، در یک فضای اجتماعی متفاوت و با یک فرهنگ رشته‌ای دیگر. پس شایگان و شریعتی، هر دو با متن‌های‌شان به صورت اجتماعی ساخته شده‌اند. به مناسبت اقتضای امشب، برمی‌گردم به شایگان. تألیف اجتماعی شایگان، خطی نبود. شایگان در امواج زمانه و زمینه، افغان و خیزان آمد. شایگان، مدام ویرایش اجتماعی شد. نسخه نخست شایگان طی دهه ۴۰، یک توریست فرهنگی است در پی حکمت معنوی آسیا. رساله دکتری‌اش درباره آیین هند و عرفان اسلامی با ایزوتسو از شرق و هانری کرین از غرب محشور است. تنش کرین چیست؟ او از یک جامعه مدرن توسعه یافته اروپایی برخاسته و حالا تنش معنوی دارد. اشباع از مدرنیته، اشباع از توسعه و پیشرفت و ترقی و موفقیت و کامیابی؛ و بعد، یک تنش معنوی. عجیب این است که شایگان ما در یک جامعه هنوز توسعه نیافته، تحت‌تأثیر این تنش‌ها قرار می‌گیرد. شایگان از دوگانه رنج و ملال، یک ملال فرهنگی و معرفتی است. رنج آن، نصب اروپای فراموش شده پایین دست جامعه بود. آنان رنج می‌بردند و سهم شایگان، ملال بود. ویراست دوم شایگان در نیمه دوم دهه ۵۰ کزتابی‌های این حس ملال نوستالژیک بود. این‌جا شایگان «آسیا در برابر غرب» و «بت‌های ذهنی و خاطره ازل» را می‌نویسد.

مرزهای بسیار باریک لغزنده‌ای می‌بینیم میان نسخه «آسیا در برابر غرب» شایگان با نسخه دولتی «به سوی تمدن بزرگ». همین طور مرزهای مبهمی هم هست میان تنش شایگان در این نسخه دوم خود نسبت به نیست‌انگاری و تهی‌شدگی در غرب با نسخه سنت‌گرایی نصر، با نسخه غرب‌زدگی فرید و آل احمد، با نسخه بازگشت به خویش خویش شریعتی و با نسخه بومی‌گرایی نراقی. ملال‌های رنگارنگ روشن‌فکری در تأویل و خوانش اجتماعی‌اش، مقدمه و اسباب یک هویت‌سازی برای دولت دینی شد. با شوک انقلاب متن شایگان باز هم تألیف مجدد و منقح‌تر شد. ویرایش سوم شایگان را در دهه ۶۰ و در «نگاه شکسته» و «انقلاب مذهبی چیست؟» می‌بینیم. نسخه سوم شایگان قرین قبض و فروبستگی است تا این‌که مقارن با جنبش‌های نوپدید دهه ۷۰ بار دیگر دوره بسط و گشودگی مجدد شایگان فرا می‌رسد. ویراست چهارم شایگان، تفکر سیار و هویت چهل تکه است. مطابق این نسخه شایگان، آگاهی ما چندپندی است و استعاره‌اش به جای دیگر ذوب ظرف سالاد است. شایگان در ویراست چهارم مذهب‌تر شد و از زبان شمانت نهیلیسم غربی اندکی پایین‌تر آمد و زبانش مذهب‌تر شد و در این دوره به تعطیلات تاریخی ایران اشاره می‌کند. اما در دهه ۸۰ و در بازخیزش یوپولیسم ویراست پایانی و پنجم شایگان، پناه بردن از فلسفه به ادبیات بود. ادامه سلوک شایگان، تقلائی برخلاف قاعده در پای فضیلت تفکیک و تحلیل بود.

شایگان، تقلائی ناتمام.»

بگذرانید و اظهارنظرهای شخصیت‌های مختلف را با دیدگاه خاص خودشان درباره داریوش شایگان بخوانید. تحلیل این دیدگاه‌ها برای شناخت شخصیت همه‌جانبه او بسیار مفید است. آشنایی بیشتر من با دکتر داریوش شایگان که بعداً به دوستی عمیق‌تری انجامید، زمانی آغاز شد که او در سال ۱۳۴۸ همکار ما در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و هم‌زمان عضویت گروه فلسفه را هم داشت. دانشجویان از تخصص او در هندشناسی و فلسفه و یادگیری زبان سانسکریت بسیار بهره بردند. من شخصاً از کتاب ادیان و مکتب‌های فلسفی هند او بیشتر بهره‌مند شدم چون هنوز جامع‌ترین اثری است که در این حوزه نوشته شده است. سایر نوشته‌های او را هم با علاقه‌مندی تمام خوانده‌ام و بسیار از او آموخته‌ام. کتاب «پنج اقلیم حضور» او به گمانم بیشتر از دیگر کتاب‌هایش خوانده شده. این کتاب تصویری متفاوت از محبوب‌ترین شاعران ما ارائه می‌دهد. شایگان صاحب‌نظری را با صاحب‌دلی همراه داشت. او نه تنها در ایران بلکه در کشورهای دیگر هم جایگاه ممتازی به دست آورده بود ولی هرگز به جایگاه و دانشش غره نشد و تساهل و تسامح بی‌مانندی داشت. هرگز ایران را از یاد نبرد و به قول کامران فانی، ایران خانه وجود او بود.»

◀ زیر آسمان شایگان

نهال تجدید، نویسنده و پژوهشگر، دیگر سخنران مدعو به شب «همراه با داریوش شایگان» بود که به‌خاطر ناراحتی کلیه و تحت درمان بودن در این مجلس حضور نیافت، ولی پیام صوتی‌اش را به جمع ارسال کرد و گفت: «خیلی دلم می‌خواست در آن جمع حضور می‌داشتم اما نمی‌توانم و پزشکم هم نمی‌گذارد و مانع می‌شود. گفتم حالا که نمی‌توانم در این مجلس حضور پیدا کنم، پس چند صفحه از «ایرانی‌تر» که ما موضوع داریوش شایگان است را برای‌تان می‌فرستم که در مجلس بزرگ‌داشت شایگان بخوانید و متنی که ژان کلود (همسر نهال تجدید) در روز رفتن داریوش شایگان نوشت، «علی دهباشی، صفحات «یک چشم به شرق و یک چشم به غرب» از اتوبیوگرافیک «ایرانی‌تر» نهال تجدید را برای حاضران قرائت کرد و پس از آن نوبت رسید به سخنرانی مقصود فراس‌تخواه، جامعه‌شناس. او درباره داریوش شایگان گفت: «شایگان را ستایش می‌کنیم. شایگان، متنی است که در آن به سر می‌بریم. شایگان، آسمان بلندی است که ما زیر آن آسمان نفس می‌کشیم و می‌اندیشیم؛ و به بودن خود ادامه می‌دهیم و اصرار به زیستن داریم.»

فراس‌تخواه ابتدا ابراز خرسندی کرد برای انتشار کتاب «داریوش شایگان، سلوک در کناره‌ها» که نویسنده‌اش محمدمنصور هاشمی هم در جمع حضور داشت. فراس‌تخواه سپس این پرسش را طرح کرد: «آیا این مؤلفان‌اند که مفاهیم را می‌سازند؟ آیا مؤلفان‌اند که متن‌ها را تألیف می‌کنند؟ یا خود مؤلفان هم، تألیف اجتماعی می‌شوند؟



به مناسبت نودمین سال‌روز تولد دکتر داریوش شایگان، هشتصدویازدهمین شب از سلسله شب‌های مجله «بخارا» با همکاری نشر فرزان روز به نقد و بررسی زندگی و آثار دکتر شایگان و رونمایی از کتاب «داریوش شایگان، سلوک در کناره‌ها» نوشته محمدمنصور هاشمی اختصاص یافت. در این نشست که با عنوان «شب همراه با داریوش شایگان و اندیشه‌هایش» ساعت ۵ بعدازظهر یکشنبه ۷ بهمن در تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد، دکتر ژاله آموزگار، نهال تجدید، مقصود فراس‌تخواه، محمدمنصور هاشمی، تورج اتحادیه و علی دهباشی سخن گفتند. علی دهباشی در ابتدای این برنامه با اشاره به این که سخن گفتن از داریوش شایگان امر دشواری است، گفت: «همه ما از آشنایان دیرین تا کسانی که حتی یک بار افتخار دیدار با او را داشتند از خرم مهر و فضل و صفای او بهره بردند.» پس از سخنان ابتدایی دهباشی، تورج اتحادیه، مدیر انتشارات فرزان روز درباره دوستی‌اش با داریوش شایگان و انتشار آثار او توسط این نشر گفت: «من و داریوش شایگان دوستان بسیار نزدیکی بودیم. رفاقت‌مان دور از نظاهر و تکلف بود. گفتار و نوشتار شایگان جوشی بود از درون خودش. مردی یکتا بود که برای من و دوستانش جایگزین نداشت. امسال ۹۰ سالگی داریوش شایگان و مصادف با ۳۰ سالگی نشر فرزان روز است که داریوش شایگان آن را در سال ۱۳۷۳ به اتفاق دکتر هرمز همایونپور، استاد بهالالدین خرمشاهی و استاد کامران فانی با مدیریت دکتر همایونپور تأسیس کردند و در سال ۱۳۷۵ به عنوان ناشر سال انتخاب شد. اما چون به قول داریوش شایگان کار نشر علاوه بر مسائل فرهنگی، کاری تجاری هم هست با تشویق شایگان من با پیشینه فعالیت تجاری به هیأت مدیره این نشر پیوستم.» اتحادیه در ادامه به مجموعه‌ها و عناوین کتاب‌هایی که در این سال‌ها نشر فرزان روز منتشر کرده، پرداخت. هم‌چنین به نشر ۱۱ عنوان از آثار تألیفی و ترجمه‌ای داریوش شایگان توسط این نشر اشاراتی کرد.

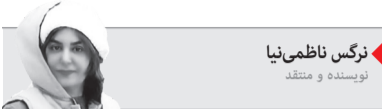
◀ صاحب‌نظر صاحب‌دل

ژاله آموزگار، پژوهشگر حوزه فرهنگ و زبان‌های باستانی، دیگر سخنران «شب همراه با داریوش شایگان و اندیشه‌هایش» بود که کلامش را با یادآوری روز تلخ دوم فروردین ۱۳۹۷ آغاز کرد که روز درگذشت شایگان بود. آموزگار در ادامه گفت: «اگر در این ۶ سال زنده بود، چه امرغالی برای ما داشت؟ مسلماً چنان‌که به اظرفایش گفته بود، پس از «جنون هوشیاری» که در آن درباره اندیشه و هنر شارل بودلر قلم‌فرسایی کرده بود و پس از «فانوس جادویی زمان» که به مارسل پروست پرداخته بود، با دیدگاهی موشکافانه و با قلمی شیرین به سراغ میشل دو مونتینی رفت و مقالاتی از او را تجزیه و تحلیل می‌کرد تا شناختی جدید از سه شخصیت مهم و تأثیرگذار ادبیات فرانسه را در دسترس علاقمندان قرار دهد. به نقل از دهباشی و دوستان نزدیکش، می‌خواست کتابی درباره فرمایشی ساختارهای سنتی در پی ظهور روش علمی بنویسد. اگر این سال‌ها زنده بود، ذهن وقاد او از تکاپو باز نمی‌ایستاد. باز هم می‌خواند، باز هم می‌نوشت، باز هم غم ایران را می‌خورد و باز هم از جایگاه والای زبان فارسی سخن می‌گفت و کارنامه درخشان‌ش را درخشان‌تر می‌کرد. کاش آن حمله قلبی به سراغش نیامده بود. کاش‌ها همیشه باری از حسرت دارند ولی خوشبختانه تا بود، بودنی تأثیرگذاری داشت. او فیلسوفی بود نظریه‌پرداز، ادیبی خوش ذوق و ایران‌دوست، روشن‌فکری بی‌عقده و بی‌تعصب، در حال تحول. او عقیده داشت که نادانان (البته او واژه احمق‌ها را به کار برده بود) متحول نمی‌شوند و باور خود را تغییر نمی‌دهند. شایگان، نادره‌ای چندمنظوره بود و یک‌سونگر نبود. برعکس برخی متخصصان دوران جدید که فقط در مسیر مستقیم تخصصی خود به پیش می‌روند و به بهانه این‌که وقت‌شان تلف می‌شود که رمان بخوانند یا فیلم ببینند یا تئاتر بروند، سراغ این‌ها نمی‌روند. امیدوارم شما هم مانند من حوصله کرده باشید که کتاب بیش از هزار صفحه‌ای «یادنامه داریوش شایگان» را که به همت خستگی‌ناپذیر آقای دهباشی در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است از نظر

دیدگاه: یادداشت سینمایی

نسخه مقدس تاج و تخت

درباره فیلم ملاقات محرمانه یا مجمع کاردینالها



ترگس ناظمی‌نیا
نویسنده و منتقد

فیلم سینمایی ملاقات محرمانه اثری در ژانر درام، هیجان‌انگیز و معمایی است که با تمرکز بر مسائل مذهبی و فرآیند انتخاب پاپ، در دسته آثار مذهبی نیز قرار می‌گیرد. این فیلم، به کارگردانی ادوارد برگر و اقتباس از زمان رابرت هریس، داستان انتخاب پاپ جدید پس از درگذشت رهبر پیشین در واتیکان را روایت می‌کند. این اثر با کاوش در پیچیدگی‌های اخلاقی و دینامیک قدرت در کلیسای کاتولیک، در میان نامزدهای پرت سال ۲۰۲۴ قرار گرفته است. کاردینال‌هایی از سراسر جهان، با عقاید و دیدگاه‌های متفاوت، برای انتخاب پاپ جدید گرد هم آمده‌اند. تنوع فکری و تضاد میان جناح‌های سنتی و لیبرال، زمینه‌ساز تنش‌هایی در این فرآیند حساس می‌شود. این تقابل‌ها در فضایی ایزوله و رمزآلود در واتیکان رخ می‌دهد؛ جایی که کاردینال‌ها بدون دسترسی به اطلاعات خارجی تصمیم می‌گیرند. فیلم‌نامه با دقت و مهارت نوشته شده است و اوج و فرودهای داستان، تماشاگر را درگیر می‌کند. مرگ پاپ و گردهمایی کاردینال‌ها برای انتخاب رهبر جدید، فرصتی است برای آشکار شدن جاه‌طلبی‌ها و تعارضات شخصیتی. این درگیری‌ها، فیلم را از یک درام مذهبی ساده به اثری اجتماعی-سیاسی ارتقا داده است. رالف فاینس در نقش کاردینال لارنس، اجرای بی‌نظیری ارائه می‌دهد. نگاه‌های او، که طیفی از شک، ایمان، تردید و مبارزه با امیال را منعکس می‌کند، تضادهای درونی شخصیتش را به زیبایی به تصویر کشیده است. نورپردازی استادانه که بخشی از چهره او را در تاریکی و بخشی دیگر را در روشنایی قرار می‌دهد، به کشمکش میان خیر و شر در شخصیت او عمق بیشتری می‌بخشد. دیگر بازیگران نیز با ایفای نقش‌های خود، هماهنگی کاملی با بازیگر اصلی، فضای فیلم‌نامه و کارگردانی برقرار کردند. ادوارد برگر که با فیلم «در جبهه غرب خبری نیست» توانایی‌های خود را اثبات کرده بود، در ملاقات محرمانه نیز مهارت‌هایش را به نمایش می‌گذارد. کارگردانی او بر ایجاد تعلیق و کشش در لحظات کلیدی تمرکز دارد و با تعادل میان احساسات و هیجان، اثری خیره‌کننده خلق کرده است. استفاده خلاقانه از زوایای دوربین و قاب‌بندی‌های دقیق، مخاطب را به عمق تضادهای درونی شخصیت‌ها و بازی‌های قدرت در کلیسا می‌کشاند. طراحی صحنه نیز به بازسازی دقیق فضای واتیکان کمک کرده است. کلیسای سیستین، با جزئیات هنری و نورپردازی مناسب، حس تقدس و شکوه را به بیننده منتقل می‌کند. صحنه انفجار تروریستی در زمان رای‌گیری را می‌توان اوج زیبایی بصری و هیجان فیلم دانست. این صحنه با دقت و جزئیاتی هنرمندانه اجرا شده است که شکوه و تنش را هم‌زمان به نمایش می‌گذارد. نورپردازی هماهنگ با شعله‌های انفجار، به همراه حرکت آهسته‌تکه‌های شیشه و غبار، حسی از شکوه و ویرانی ایجاد می‌کند. صدای انفجار، در کنار سکوتی که پس از آن فضای تالار را در بر می‌گیرد، تأثیری عمیق بر مخاطب می‌گذارد. دوربین با حرکت آهسته، واکنش‌های شوکه‌شده کاردینال‌ها را به تصویر می‌کشد و عمق فاجعه را برجسته می‌سازد. موسیقی متن فیلم، با ضرباهنگ‌های پرتنش و هماهنگ با فضای روایت، نقش مهمی در ایجاد تعلیق و تأثیرگذاری عاطفی دارد. موسیقی متن، گویی انعکاسی از تردیدها و تناقض‌های شخصیت‌هاست و به‌عنوان عنصری مستقل، جایگاه ویژه‌ای در فیلم پیدا کرده است. فیلم ملاقات محرمانه را می‌توان نسخه‌ای مقدس از سریال بازی تاج‌وتخت دانست؛ اثری که به‌جای شمشیر و تاج، قدرت و جاه‌طلبی را در لباس‌های مذهبی به تصویر می‌کشد. این فیلم تنها یک داستان نیست، بلکه سفری است به عمق قدرت‌طلبی، تضادهای اخلاقی و کشمکش‌های درونی، پیام فیلم این پرسش را مطرح می‌کند: آیا حتی در میان مقدس‌ترین افراد نیز جاه‌طلبی و وسوسه قدرت می‌تواند بر اصول اخلاقی غلبه کند؟ ملاقات محرمانه با طرح این سوال‌های تأمل‌برانگیز، مخاطب را به چالش می‌کشد و او را به بازاندیشی درباره حقیقت‌های پنهان در پشت نقاب افراد مقدس فرا می‌خواند.



آغاز فیلمبرداری بلندی‌های بادگیر

فیلمبرداری اقتباس جدید و سینمایی از رمان معروف «بلندی‌های بادگیر» به کارگردانی امرالد فنل با بازی مارگو رابی و جیکوب لوردی در بریتانیا مقابل دوربین رفت. این دو بازیگر به ایفای نقش شخصیت‌های اصلی کاترین ارنشاو و هیشکلیف در اقتباس از رمان معروف «بلندی‌های بادگیر» را بر عهده دارند. این رمان یک سال پیش از مرگ «امیلی پروتته»، نویسنده انگلیسی با نام مستعار «الیس بل» منتشر شد.



راه‌اندازی صندوق فیلم آوارگان

کیت بلانشت با همکاری جشنواره بین‌المللی فیلم روتردام، صندوق فیلم «آوارگان» را راه‌اندازی کرد. این صندوق کمک‌های مالی تا سقف ۱۰۰ هزار یورو به پنج فیلم کوتاه، از فیلمسازان آواره یا به فیلمسازانی که در خلق داستان‌های واقعی درباره تجربه آوارگی دارند، می‌پردازد. هیات انتخاب این صندوق را او به عنوان سفیر حسن‌نیت کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد ریاست می‌کند.



پیشتازی کنت مونت کریستو

فهرست نامزدهای جوایز سینمایی سزار فرانسه اعلام شد و فیلم حماسی و ماجراجویانه «کنت مونت کریستو» به کارگردانی ماتیو دلایپورت و الکساندر دو لا پاتیه که اقتباسی سه‌ساعته از شاهکار ادبی نوشته الکساندر دوما است، با ۱۴ نامزدی پیش‌تاز این جوایز نام گرفت و پس از آن، درام جنایی «قلب‌های تنیده» به کارگردانی ژیل لولوش با ۱۳ نامزدی در جایگاه دوم قرار دارد.

هیچ فیلمی با سفارش به جشنواره نیامده است

نشست خبری جشنواره فیلم فجر چهل‌وسوم بر گزار شد



فجر امسال نمی‌تواند خودش منتقد دوره گذشته خودش باشد. نمی‌شود هر چه ایراد است به بقیه نسبت بدهیم و هر چه حسن است به خودمان. فیلم‌ها را خواهید دید که نسل جوان خود را از این جدل‌ها کنار کشیده و کار خود را انجام داده است».

دبیر جشنواره فیلم فجر درباره بخش ویژه جشنواره فیلم فجر نیز توضیح داد: «فیلم‌ها به دلایلی همچون زمان ساخت یا بازبینی در جشنواره قبلی، امکان نمایش در بخش مسابقه را نداشتند، بنابراین ما به این نتیجه رسیدیم که این فیلم‌ها می‌تواند آینه تمام‌نمایی از سینمای ایران باشد. بنابراین از روز جمعه نمایش فیلم‌های آخر شب آغاز می‌شود و برای تحلیل وضعیت سینما موقعیت مناسبی است».

شاهسوروی درباره اینکه به نظر می‌رسد در برخی موضوع‌ها برخورد‌های احتیاط‌آمیز داشته است، گفت: «من آدم شجاعی نیستم و نمی‌دانم این خوب است یا نه، ولی گاهی بعضی تصمیم‌گیری‌ها براساس دانش ما صورت می‌گیرد. من معتقدم برخی قواعد نیازمند بازنگری است. این مساله وجه اجتماعی هم دارد و دختران و پسران جوان ما از ما توقعاتی دارند که نتوانستیم به آنها پاسخ بدهیم، نه به دلیل عدم شجاعت، بلکه به دلیل نادانی‌مان. اینکه هنرمندی از رئیس‌جمهورش برای اکران فیلمش تقاضا می‌کند به نظر من ایرادی ندارد، بلکه حق شهروندی ایشان است که درخواست کند. اگر به فرض مثال، رئیس‌جمهور فیلمی را وارد جشنواره کنند از نظر افسکار عمومی ظلم به آن فیلم است یا حمایت از آن فیلم؟ معیار جشنواره ما برلین و کن و ... نیست. اگر جشنواره‌ای مانند جشنواره فیلم فجر در جهان یافتید از طرف من جایزه دارید. ما تنها جشنواره در جهان هستیم که محصولات تولیدی کشور را که به نمایش عمومی در نیامده است، در همه اجزا مورد داوری قرار می‌دهیم. این منحصر به فرد بودن جشنواره نیز اقتضاعات خودش را دارد. فجر را باید از قالب جشنواره خارج و به جشن ملی تبدیل کنیم که من هم با این ایده موافقم، یا قوانین جشنواره و نظام داوری آن را بپذیریم. باید تفاوت‌ها را درک کنیم و این تفاوت‌ها عیب نیستند، بلکه ویژگی جشنواره فیلم فجر هستند. شما به من بگویید که ما چه کاری بکنیم که جشنواره‌مان به بهترین شکل ممکن برگزار شود».

منوچهر شاهسوروی، دبیر چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر به همراه مسعود نجفی، مدیر روابط عمومی‌اش صبح روز گذشته مقابل اهالی رسانه نشست و به پرسش‌های آنها درباره این دوره از جشنواره پاسخ داد. نحوه پاسخ او و پذیرش نقدها و پیشنهاد‌های اهالی رسانه، نشان از تفاوت بسیار او با دبیران این چندساله اخیر جشنواره فجر داشت. از استقبال هنرمندان از حضور در جشنواره گفت و از اینکه نباید پاسخ بی‌مهری افرادی که در دو سال گذشته با جشنواره قهر کرده بودند را بسا بی‌مهری داد. ادبیات و لحن صحبت‌هایش چنان بود که به طور آشکارا می‌شد تفاوت رویکرد و سلیقه او را با دبیران قبل خود فهمید. شاهسوروی برخلاف دبیران چندساله اخیر جشنواره فیلم فجر، برای وصل کردن آمده و تلاش می‌کند با سیاست و درایتی که همیشه داشته آشتی و مهر را میان سینماگران و تنها جشنواره ملی و وطنی با عمری بیش از ۴۰ سال که حالا تبدیل به یکی از قدیمی‌ترین جشنواره‌های خاورمیانه شده، ایجاد کند. او یکی از مدیران و سیاست‌گذاران موثر حال حاضر سازمان سینمایی است که می‌داند از جشنواره چه می‌خواهد و چطور باید آن را بدون حاشیه و جنجال برگزار کرده و پیش ببرد. جایزه برترین فیلم مردمی را به جشنواره بازگرداند و خواستار این شد که فیلم‌های اول فیلمسازان علاوه بر کارگردانی و نویسندگی در دیگر زمینه‌ها از جمله طراحی و بازیگری هم مورد داوری قرار گیرد. اینها همه علاوه بر این است که او تصمیم گرفته فیلم‌های توقیفی این سال‌های اخیر را هر شب در سالن رسانه‌ها به نمایش درآورد و آنها را به قضاوت اهالی رسانه بگذارد و البته فراموش نکند که فراخوان این دوره از جشنواره پیش از آمدن او در دوره محمد خزاعی نوشته و منتشر شد.

پرسش خبرنگار روزنامه سازندگی در این نشست درباره شائبه‌هایی درباره تعامل با برخی نهاد‌های و سازمان‌ها و فشارهایی که آنها به دبیر جشنواره آورده تا فیلم‌هایی را وارد جشنواره کند، بود. او از دبیر جشنواره خواست تا امتیاز هیات انتخاب و داوری به فیلم‌ها را همراه با امضای آنها در پایان این دوره روی سایت جشنواره قرار دهد که شاهسوروی در این باره توضیح داد: «سن‌وسال من یا به حرمت یا به خاطر ریش سفیدمان از اینکه کسی به من فشاری وارد کند، گذشته است. جشنواره محل رفت‌وآمد و این خواسته‌هاست که البته امر طبیعی است و نمی‌توان با آن جدل کرد؛ اما من این موضوع را که فیلمی با سفارش کسی یا نهادی به جشنواره آمده باشد، به طور مطلق هم تکذیب، هم رد می‌کنم. هیچ نشانی از این کار در اسناد جشنواره موضوع نیست. گاهی اوقات بعضی می‌گویند، ما روزمان رسید فیلم‌مان را در جشنواره گذاشتیم. هیچ‌کدام از اینها واقعی نیست. تک‌تک این فیلم‌ها با امضای هیات انتخاب وارد بخش مسابقه شدند، بدون اینکه کسی در انتخاب دخالت کرده باشد. نکته بعدی اینکه ما بیش از ۳۳ فیلم را طبق مقررات پذیرفتیم».

او ادامه داد: «به خاطر شفافیت نظام داوری حتماً این پیشنهاد شما را امروز یا فردا برای داوران محترم مطرح می‌کنم. البته این یک حقوق طرفینی است. اگر می‌خواهیم بگوییم که آقای داور و سرکار خانم داور ما می‌خواهیم رای‌تان را با امضا منتشر کنیم، یک شرط ما قبل دارد. این از آن چیزهایی است که در آن به دلیل عدم وجود اسناد و ساختار درست و نگاه‌داشت‌های سنتی برای تاریخ آینده سینمای ایران کمی دچار اشکال هستیم، امیدوارم که آن هم به خودی خود حل شود».

او درباره تمایل هنرمندان برای شرکت در جشنواره هم



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

غیبت معنادار

چرا ایران خودرو و سایپا در نمایشگاه خودرو شرکت نکردند؟

مهتاب شهریاری
گروه اقتصاد

حالا دیگر کار ایران خودرو و سایپا به جایی رسیده که جرأت نمی‌کنند در نمایشگاه خودرو شرکت کنند. با آغاز ششمین نمایشگاه خودرو تهران در شهر آفتاب، غیبت معنادار دو خودروساز بزرگ کشور، ایران خودرو و سایپا، بار دیگر بحران مدیریتی و مالی عمیق این شرکت‌ها را آشکار کرد. این دو خودروساز که همیشه مدعی پیشرفت و توسعه بودند، حالا حتی جرأت حضور در یک نمایشگاه را ندارند. این در حالی است که هر دو شرکت، محصولات جدیدی برای معرفی داشتند، اما افزایش زیان انباشته، تولید ناقص و بدهی‌های سنگین به قطعه‌سازان، آنها را به انزوا کشانده است.

سایپا، با خودروهای جدیدی مانند آریا، پروژه P۹۰ و چانگان‌های مونتاژی، فرصت مناسبی برای نمایش قدرت خود داشت، اما مشکلات مدیریتی و بحران مالی، این شرکت را از میدان به در کرد. از سوی دیگر، ایران خودرو با محصولاتی مانند ری‌را و پژو ۴۰۸X توانایی حضور در نمایشگاه را داشت، اما تغییرات مدیریتی و آشفتگی داخلی، آن را از رقابت کنار زد.

اما این فقط مشکل خودروسازان نیست؛ مشکل اساسی نظام مدیریت دولتی و پاسخگو نبودن این خودروسازان است، نظامی که همواره از مواجهه با مردم با هراس است، انتخاب مدیران در این صنعت با حتی در این دولت بیانگر همان حاکمیت روابط خویشاوندی و امتداد ناکارآمدی‌هاست، مانند آنچه در اقمار سایپا به وضوح اتفاق افتاده است. سیاست‌های دولت نیز به این وضعیت دامن زده است. وعده‌های انتخاباتی درباره حمایت از صنعت خودرو، در حد حرف باقی‌مانده و در عمل، اتفاقی جز افزایش تعرفه ۱۰۰ درصدی خودروهای وارداتی و کاهش تخصیص ارز برای واردات رخ نداده است. نتیجه این سیاست‌های متناقض، چیزی جز افزایش قیمت، کاهش رقابت و سقوط صنعت خودرو نبوده است.

وزارت صمت که قرار بود متولی حل مشکلات این صنعت باشد، عملاً خود را کنار کشیده و نظاره‌گر این سقوط شده است. از یک سو، دولت در شعارهای انتخاباتی خود بر تحول در صنعت خودرو تأکید می‌کرد، اما در عمل، شرایط به مراتب وخیم‌تر از قبل شده است.

غیبت ایران خودرو و سایپا در نمایشگاه، نشانه‌های آشکار از بحران درونی این شرکت‌ها و ناتوانی آنها در رقابت با خودروسازان مونتاژی است. آنها که تا دیروز ادعاهای بزرگ داشتند، امروز حتی با ظهور کوچک‌ترین آثار واردات حتی جرأت حضور در نمایشگاه داخلی را ندارند. آیا وقت آن نرسیده که دولت به‌جای شعار، اقدامی عملی برای نجات این صنعت انجام دهد؟ با همچنان باید نظاره‌گر فروپاشی خودروسازی کشور باشیم؟ دولت باید ببیند که خودروسازی دولتی و عدم پاسخگویی با انتظارات مردم تطبیق ندارد، دوران بغروش در رو تمام شده است. با آغاز به کار دولت مسعود پزشکیان این امید در دل‌ها زنده شده که صنعت خودرو از دام انحصار و تصمیم‌های غلط خارج شود اما برای محقق شدن این آرزو چه ابزارهایی لازم است؟ صنعتی که در پنج دهه گذشته همواره جولانگاه سیاست‌بازی‌ها و شعارها بوده و بنا بود موتور محرک اقتصاد کشور باشد، چرا خود به محلی برای تخریب اقتصاد ملی بدل شده و علاوه بر سرمایه‌های نقدی، سرمایه اجتماعی دولت‌ها را به باد داده است؟ چرا تمامی وزرای بعد از انقلاب، به‌خصوص پنج دولت اخیر با ژست منتقد وارد شدند و با وضعیتی اسفناک‌تر این صنعت را در وره بعدی تحویل دادند؟ چرا میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری دولتی، هزاران میلیارد تومان تسهیلات بانکی ارزان قیمت، بیش از ۴۰ سال ممنوعیت ممتد و موقت واردات در کنار تعرفه‌های سنگین واردات در دوره‌های کوتاه آزادی آن به بهبود صنعت خودرو و حتی رسیدن به وضعیت سال‌های قبل از انقلاب منجر نشده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها فراتر از صنعت خودرو است و باید آن را در کیفیت حکمرانی اقتصادی کشور جست‌وجو کرد. درحال حاضر، تحریم‌های اقتصادی، قیمت‌گذاری دستوری، دخالت و نفوذ دولت و انحصار و نفوذ گسترده ذی‌نفعان، بیماری‌های اصلی خودروسازی ایران به‌شمار می‌روند که هر کدام به‌نوبه خود عوارضی سنگین را به دنبال داشته و دارند. چشم‌انداز صنعت خودرو در ایران به عوامل مختلفی از جمله تحولات سیاسی و اقتصادی، سیاست‌های دولت و عملکرد شرکت‌های خودروسازی بستگی دارد. با این حال، برخی از کارشناسان معتقدند با رفع تحریم‌ها، بهبود شرایط اقتصادی و تدوین سیاست‌های درست، می‌توان شاهد رونق دوباره این صنعت و افزایش عرضه خودرو در بازار بود.

گواهی سپرده

در سال ۱۴۰۲، بانک مرکزی گواهی سپرده با نرخ ۳۰ درصد را به‌عنوان ابزاری برای جذب نقدینگی و هدایت آن به سمت بخش تولید و کنترل نوسانات بازار ارز منتشر کرد. با نزدیک شدن به سررسید این اوراق، برخی منابع از احتمال تمدید آن خبر می‌دادند، اما بانک مرکزی اعلام کرد که با توجه به یک‌ساله بودن مهلت این گواهی‌ها، در تاریخ سررسید (۱۱ بهمن ۱۴۰۳)، این طرح طبق دستورالعمل‌های مربوطه به پایان خواهد رسید.

بیشتر از هزینه

بانک مرکزی در تازه‌ترین آمار خود، گزارشی از درآمد و هزینه خانوار در هر سال را اعلام کرده است. محاسبات نشان می‌دهد سال ۱۳۹۳ اوج اختلاف هزینه و درآمد در این سال‌ها بوده، به طوری که هزینه خانوارها در این سال نزدیک به ۷ درصد بیشتر از درآمد آنها بوده است. آخرین آمارها نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲، نیز این وضعیت وجود داشته هزینه خانوار ۳۰۷ درصد بیشتر از درآمد آن بوده است.

تورم خانوار

بر اساس جدیدترین آمارهای منتشر شده توسط مرکز آمار در دی‌ماه، دهک اول در ۱۰ ماه ابتدایی سال جاری تورمی نزدیک به ۲۹ درصد را تجربه کرده که بالاترین رقم ثبت شده در میان دهک‌های هزینه‌ای است. علت این امر در فشار تورمی بالای ناشی از اقلام خوراکی و مسکن است. در مقابل دهک دهم که ثروتمندترین گروه جامعه محسوب می‌شوند در ۱۰ ماهه ابتدایی امسال، پایین‌ترین تورم را متحمل شده‌اند.

ادامه تیتربک

مدیریت بازار

شاعری در بورس

هیچ‌کس فکر نمی‌کرد یک نویسنده و شاعر، بتواند قواعدی بر بازار سهام حاکم کند که سهامداران شاکس پس از چند سال نفسی به راحتی بکشند. شاعران و نویسندگانی که به مدیریت یا کارآفرینی روی آورده‌اند، در سراسر جهان وجود دارند. این افراد اغلب از مهارت‌های خلاقانه و تفکر انتقادی خود برای ایجاد و مدیریت کسب‌وکارها استفاده کرده‌اند. در ایران هم شاعران و نویسندگان زیادی به مدیریت اقتصادی و کسب‌وکار رو آورده‌اند مثل نادر ابراهیمی، هوشنگ مرادی کرمانی و... اما برخی هم مسیر را برعکس طی کرده‌اند؛ یعنی از اقتصاد به ادبیات رسیده‌اند. مثل حجت‌الله صیدی که اکنون سکانتار بورس تهران است. آقای صیدی که هم نویسنده و شاعر است و هم دوستان زیادی در میان اهالی ادب و هنر دارد، سال‌های در نظام بانکی، به کار مشغول بوده است. با این حال او بیشتر از آنکه اهل مدیریت و اقتصاد باشد، اهل شعر و شاعری است. آقای صیدی مردی میان‌رو با روحیه‌ای آرام است که همین آرامش توانسته توشه راه او در مسیر پر تلاطم بازار سهام باشد. او جایگزین مجید عشقی شد که بازار را عشقی اداره کرد. مجید عشقی از ۲۱ مهر ۱۴۰۰ تا ۱۷ شهریور امسال، ششمین رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار بود که در دوره ریاست وی، شاخص کل ۵۰ درصد رشد کرد. اما نکته قابل توجه در دوران ریاست مجید عشقی بر سازمان، اوضاع اسفناکی بود که سهامداران تحمل کردند. بورس در دوران عشقی به طور بی‌سابقه‌ای از دلار جا ماند. از مهر ۱۴۰۰ تا اواسط شهریور امسال، دلار در بازار آزاد با رشد ۲۰ درصدی همراه شد، اما همان‌طور که گفته شد در همین بازه زمانی بورس فقط ۵۰ درصد رشد کرد. همین موضوع موجب شد تا موجی از انتقادات به سمت‌وسوی رئیس سابق سازمان روانه شود و نهایتاً نیز مجبور به استعفا شد. عشقی پس از آن از بازار سهام خارج شد که برای خود و اعضای هیات‌مدیره سازمان در روزهای آخر کاری خود جمعاً ۱۰۵ میلیارد تومان وام ۱۰ ساله با نرخ ۴ درصد برای خود تصویب کرد. در این میان، سهم مجید عشقی ۲۰۷ بوده و بقیه ۱۰۹ میلیارد تومان سهم بردند. پس از آنکه تصویر نامه مربوطه توسط شبکه شرق منتشر شد، عبدالناصر همتی بلافاصله واکنش نشان داد که این واکنش منجر به استعای مجید عشقی شد. حجت‌الله صیدی اگرچه مدیری معروف در حوزه اقتصاد است اما دوستان زیادی در میان شاعران و نویسندگان دارد و مدیری باذوق است. نشان به این نشان که در شب رونمایی از کتاب «دانشگاه خیابان» جمع زیادی از مدیران، شاعران، نویسندگان و اهالی سیاست دور هم جمع شدند تا کتاب خاطرات حجت‌الله صیدی را رونمایی کنند. چه کسانی در این مراسم حضور داشتند؟

از سهیل محمودی بگیرد تا رضا امیرخانی. سیاسیون هم حضور داشتند؛ مثل محمد عطران‌فر و سیدمحمدعلی ابطحی. اما از اینها مهم‌تر، حسین عبدهتیریزی هم در این مراسم حضور داشت و درباره کتاب صیدی سخن گفت. حسین عبدهتیریزی و حجت‌الله صیدی نمی‌دانستند که یک سال و سه ماه بعد سرنویشت، مسیر آنها را یکی می‌کند و هر دو به دولت مسعود پزشکیان پیوند می‌خورند. عبدهتیریزی در انتخابات خرداد ۱۴۰۳ مشاور اقتصادی پزشکیان شد و از او حمایت کرد. بنابراین سیردن حق انتخاب مدیری برای این سازمان، کمترین پاسخی بود که پزشکیان می‌توانست به مشاور اقتصادی خود بدهد. پس شکی نیست که حجت‌الله صیدی، مورد تأیید عبدهتیریزی است که دوست قدیمی خود را فردی «نوگر» و «مدیری با اصولی ثابت در مسیر مدیریت» می‌داند و کتاب او را با آثار ویرجینا وولف مقایسه می‌کند. نام کتابی که صیدی نوشته، دانشگاه خیابان است که به عقیده عبدهتیریزی، «فقط شرح چند خاطره نیست، داستان انسانی است که در طول ۵۰ ماه از سال‌های دشوار بخش بانکی



کشور، وقایع سختی بر او رخ داده است؛ (مدیریت با اعمال ششاقه)». این سرنویشت همه مدیران بخش‌های عمومی و حتی خصوصی کشور، به‌ویژه در دو دهه اخیر ایران بوده که بیش از آنچه بتوانند روی کار خود متمرکز شوند، باید نگران حاشیه‌باشند؛ نگران حمله خرس‌های گریزی!.

در بازار چه گذشت؟

عملکرد حجت‌الله صیدی در دورانی که ریاست سازمان را بر عهده داشته، موفقیت‌آمیز بوده است. دست‌کم در پنج ماه نخست فعالیت او شاخص کل بورس رشد قابل توجهی در حدود ۴۵ درصد داشته است. این عملکرد، بهترین نتیجه در مقایسه با پنج ماه نخست فعالیت رؤسای پیشین سازمان بورس محسوب می‌شود و نشان‌دهنده بهبود شرایط بازار است. با توجه به عملکرد مثبت سازمان بورس در پنج ماه نخست فعالیت صیدی و اقدامات انجام شده برای بهبود شرایط بازار، به نظر می‌رسد که بازار سرمایه در مسیر رشد و ثبات بیشتری قرار گرفته است. این تحولات می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاران جدید و افزایش مشارکت عمومی در بازار کمک کند. همچنین، کاهش دامنه نوسان و افزایش شفافیت در بازار، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به ایجاد ثبات بلندمدت در بازار سرمایه منجر شود. هرچند دیروز شاخص کل بورس بدون بازدهی به کار خود پایان داد اما هفته‌ای که گذشت برای بازار سهام، هفته بسیار خوبی بود. دیروز اطلاعیه‌ای منتشر شد که دلالت بر انتشار گواهی سپرده در بانک صادرات با نرخ سالانه ۲۵ درصد داشت. این موضوع به‌نوعی در حکم کاهش ۵ درصدی نرخ سود گواهی سپرده‌هاست که در صورت رعایت از سوی همه بانک‌ها، خبر مثبتی برای بازار سهام تلقی می‌شود. با وجود اخبار مثبت اقتصادی، اما موانع سیاسی، موجب شد علاوه بر شاخص کل، نماگر هم‌وزن نیز بدون ثبت بازدهی هفته دوم بهمن را به پایان برساند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین ارزش معاملات خرد در هفته قبل، حدود ۹ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به هفته قبل بهبود نسبی را تجربه کرده است. ضمن آنکه طی چند روز گذشته حدود ۷۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از گردونه معاملات بازار سهام خارج شده است. همچنین بازدهی بهمن‌ماه نیز نزدیک به صفر گزارش شده است، اما انتظار می‌رود، با تداوم ریسک‌های سیاسی فعلی که ابهامات را به‌شدت افزایش داده است، بورس تهران نیز نتواند رشد خوب شارپ‌گونه پاییز را ادامه دهد. این در حالی است که خبر کاهش نرخ گواهی سپرده توانست حال عمومی بازار را بهبود ببخشد. گزارش‌های دی‌ماه صنایع نیز حکایت از رکوردزنی فروش صنایع دارد. بورس تهران در فضای ناامن سیاسی و بدون توجه به متغیرهای اقتصادی روند اصلاحی را دنبال می‌کند. آخرین بار شاخص کل پس از برخورد با مقاومت روانی ۲ میلیون و ۸۵۰ هزار واحد ناکام ماند و فقط چند روز



بالای این محدوده دوام آورد. از منظر بنیادی نیز ریسک‌های سیاسی و ابهامات پیرامون مسائل سیاست خارجی مانع از آن شده است تا بازار سرمایه با P/E بالایی مورد معامله قرار گیرد. این در حالی است که بازار سهام به واسطه گزارش‌های مالی خوب پاییز و رشد سودآوری دلاری اکثر نمادها، می‌توانست P/E خوبی گرفته و روند صعودی آن حفظ شود. تور داغ معاملات درحالی سرد شد که ارزش معاملات نیز همچنان تمایلی ندارد اعداد بالایی را به خود ببیند. بازار سهام از منظر رشد سودآوری می‌تواند کف‌های قیمتی بالاتری را نسبت به سقف اردیبهشت سال ۱۴۰۲ به ثبت برساند، اما موانع سیاسی مانع از آن خواهد شد تا وارد یک رالی صعودی جدید شود. طی روز چهارشنبه خبری مبنی بر تمدید گواهی سپرده خاص که به‌تازگی سررسید شده است، منتشر شد. با وجود آنکه نرخ این سپرده با کاهش پنج واحد درصدی از ۳۰ درصد به ۲۵ درصد رسید، اما بورس صرفاً با واکنش مثبت در نیمه اول معاملات چهارشنبه همراه شد و در نیمه دوم، غلبه عرضه‌ها در بازار مانع از سبزپوشی شاخص‌های بورس شد. حتماً نرخ بهره ۲۵ درصدی می‌توانست با تأثیر مستقیم بر ریسک مورد انتظار بازار، موجب شود تا P/E انتظاری بورس هم افزایشی شود و این نسبت مهم ارزش‌گذاری از مرز ۸ واحد بگذرد. به‌تازگی ۸ واحد رسیده بود. اما افزایش ابهامات و ریسک‌ها در بازار مانع از آن شد تا بورس از مرز ۳ میلیون واحد بگذرد. همه این موارد درحالی است که انتشار گزارش‌های مالی دی‌ماه صنایع، حکایت از آن دارد که درآمد شرکت‌ها در دهمین ماه سال رکورد جدیدی را ثبت کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از میان ۳۸۰ نماد مورد بررسی، مجموع درآمد شرکت‌ها از مرز ۳۲۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. این اولین بار است که رقم فروش ۴۴ صنعت بورسی به این میزان افزایش یافته است. این میزان از درآمد شرکت‌ها نسبت به دی‌ماه سال قبل افزایش ۲۸ درصدی و نسبت به آذرماه رشد ۵ درصدی را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد با کاهش محدودیت‌های گاز و برق در ادامه سال دوباره روند تولید در شرکت‌های بورسی به حالت عادی بازگردد. این در حالی است که نرخ فروش شرکت‌ها نیز به طرز قابل توجهی افزایش یافته است. احیای صنایع در زمستان و ماه‌های پایانی سال درحالی رقم خورده است که مجموع درآمد ۱۰ ایه صنایع با عبور از ۲ هزار و ۸۴۰ هزار میلیارد تومان رشد ۲۲ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال قبل تجربه کرده است. به نظر می‌رسد برای آنکه سودآوری خوبی در چهارمین فصل سال در انتظار شرکت‌ها باشد، باید افزایش درآمد صنایع از رشد قیمت دلار جلو بيفتد. احتمالاً گزارش‌های خوب درآمندی در بهمن و اسفند می‌تواند فضای متفاوتی را در صورت‌های مالی سالانه شرکت‌ها ایجاد کند و امیدها را به افزایش سودآوری در بهار سال آینده، بهبود ببخشد.



کمبود شدید آب

محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران با بیان اینکه تنها ۱۵ درصد از ظرفیت سد‌های پنج‌گانه تأمین آب تهران پر بوده و ۸۵ درصد آن خالی است، گفت: اکنون مهم‌ترین چالش استان تهران کمبود آب است که حاصل تغییرات اقلیمی در جهان و به تبع آن کشور و استان است. برای رفع این معضل کمبود آب راهکارهایی اتخاذ و پروژه‌های سه‌گانه با انتقال آب در نظر گرفته شده است.



چرا بی‌گرمی دارو

محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت گفت: ظرفیت ۱۶ هزار نفری جذب دانشجویان در رشته‌های پزشکی در سال ۱۴۰۴ براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی افزایش پیدا نمی‌کند. طبق این مصوبه امسال آخرین سالی است که ظرفیت جذب دانشجویان افزایش یافت. دلیل افزایش قیمت برخی داروها آن بود که کارخانه‌ها با قیمت قبلی، تولید نمی‌کردند. مبلغ ۵ هزار تومان، پول پوک و مواد مصرفی یک آمپول هم نمی‌شود.



فرسودگی آمبولانس‌ها

بابک یکتاپریست، سخنگوی اورژانس با تأکید بر اینکه در سراسر کشور حدود ۵ هزار و ۵۰۰ دستگاه آمبولانس وجود دارد که از این تعداد، ۳ هزار دستگاه آمبولانس به سن فرسودگی رسیده‌اند، گفت: طبق استانداردهای دنیا، سن مفید هر آمبولانس ۱۰ سال است، اما آمبولانس‌های کشور ما هر کدام بیش از ۱۵ سال است که کار کرده‌اند و باید نوسازی شوند. در سال‌های اخیر، آمبولانس‌های خریداری شده اما بسیار کم است.

تبعیض بی‌دلیل

چرا تکلیف گواهینامه موتورسواری زنان مشخص نمی‌شود؟

گروه اجتماعی: تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا به‌تازگی اعلام کرده که باید تکلیف گواهینامه زنان مشخص شود! او با اشاره به ضرورت نظارت دقیق بر تردد موتورسیکلت‌سواران فاقد گواهینامه، تأکید کرد که «در برخورد با متخلفان هیچ تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد و پلیس به تمامی موارد برابر با مقررات برخورد خواهد کرد».

حسینی گفته که «با توجه به اینکه بانوان نمی‌توانند گواهینامه موتورسیکلت دریافت کنند باید تکلیف قانونی اخذ گواهینامه موتورسیکلت برای زنان حل شود. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که از منظر فنی دو مسأله درخصوص موضوع گواهینامه بانوان وجود دارد: ابتدا اینکه خانم‌ها به واسطه هوش ذاتی خود می‌توانند موتورسواران خوبی باشند، اما از سوی دیگر، شرایط خاص ترافیکی در تهران و شهرهای بزرگ می‌تواند موجب تداخل در تردد و مشکلاتی در نظم ترافیک شود. اگر این دست از موتورسیکلت‌سواران خانم نیز به این حجم اضافه شوند، قطعاً با مشکل ترافیکی بیشتری روبرو خواهیم شد که باید تدابیر مناسبی برای آن اندیشیده شود».

رئیس پلیس راهور فراجا این پرسش را مطرح کرده که «آیا ما با تمامی افرادی که فاقد گواهینامه هستند، برخورد می‌کنیم؟ باید بگویم خیر! ما به اندازه توان و امکانات خود تلاش می‌کنیم که کنترل‌های لازم را انجام دهیم. زمانی که یک خانم موتورسوار وارد خیابان می‌شود، به این معنی است که فاقد گواهینامه است و در این صورت، در کنترل‌ها باید به تمام موارد برابر مقررات برخورد صورت گیرد. همین موضوع درباره آقایان فاقد گواهینامه نیز صدق می‌کند».

طی چند سال اخیر در کوچه و خیابان موتورسیکلت‌های فراوانی به چشم می‌خورند که راکب آنها زنان هستند. شاید تا اواخر دهه ۹۰ اولین زنان تابوشکن با شکل و شمایل مردانه و استفاده از کلاه کاسکت سعی داشتند در برابر قانون غیرطبیعی بایستند، اما حالا دیگر چشم‌ها به رانندگی موتورسیکلت توسط زنان عادت کرده و این امر تبدیل به یک عرف شده است. عرفی که انتظار می‌رود دیگر تبدیل به یک قانون نشود. آنچه که مسلم است منعی در قوانین موضوعه به طور مشخص عنوان نشده پس فعلاً نمی‌توان آن را غیرقانونی دانست، هرچند راندن وسیله نقلیه موتوری بدون گواهینامه برای هر کسی غیرقانونی است.

اکنون در سال ۲۰۲۴ تعداد کشورهایی که در آن زنان از حق طبیعی رانندگی موتورسیکلت برخوردار نیستند به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد و متأسفانه ایران هم جزو این کشورها قرار دارد. درحالی که عربستان سعودی هم سال‌هاست که چنین حقی را برای نیمی از جامعه خود قائل شده، اما ایران در کنار افغانستان، یمن، سوریه و ترکمنستان قرار گرفته و این حق را از زنان گرفته است. البته در برخی مناطق مانند کربلا و آنچه اندونزی گرچه قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد، اما به علل فرهنگی و عرفی زنان تقریباً به شکل خودخواسته سوار بر موتورسیکلت نمی‌شوند.

ایمنی بیشتر در معابر

اما آیا منطق خاصی پشت ممنوعیت موتورسواری زنان قرار دارد؟ مخالفان رانندگی زنان که اکنون در لایه‌های مختلف تصمیم‌گیری قرار گرفته‌اند چه توجیهی برای این تصمیمات و دیدگاه خود دارند؟ اینفوگرافیک پایین جزئیات قانون کشورها در این زمینه را مشخص کرده است.

مازیار ناظمی، رئیس فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی در واکنش به اظهارات تیمور حسینی، بر ضرورت اصلاح این قانون

تأکید کرد و آن را گامی مهم در تحقق عدالت اجتماعی و رعایت حقوق بانوان دانست.

ناظمی در این مورد گفته که «اظهارات فرمانده راهور کشور درباره مشکلات ترافیکی و شرایط خاص شهرهای بزرگ قابل توجه است، اما محدود کردن نیمی از جامعه به دلیل نبود



زیرساخت‌ها یا قوانین، مغایر با عدالت اجتماعی و حقوق اساسی بانوان است. ما باید این مسأله را با نگاهی جامع و علمی حل کنیم». او ادامه داد که «رعایت قوانین و موازین شرعی و فرهنگی اولویت ماست، اما این امر نباید مانعی برای تحقق حقوق قانونی زنان باشد. بانوان ایرانی با هوش و توانایی ذاتی خود، می‌توانند رانندگان موتورسیکلت مسئولیت‌پذیر و قانون‌مدار باشند. صدور گواهینامه نهنه‌ها یک الزام قانونی است، بلکه به ارتقای ایمنی و نظم ترافیکی نیز کمک خواهد کرد».

ناظمی با اشاره به نگاه حمایتی وزیر ورزش و جوانان اضافه کرد که «نظر آقای دهنامالی، وزیر ورزش و جوانان، نیز مؤید همین رویکرد است که تمهیدات لازم برای صدور گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان، با رعایت عدالت و قوانین، فراهم شود. این نگاه ملی و پیشرو، زمینه‌ساز تحولی مثبت در حوزه ورزش و فرهنگ رانندگی خواهد بود».

رئیس فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی با تأکید بر مسئولیت فدراسیون گفته که «ما در فدراسیون آماده‌ایم تا با تدوین برنامه‌های آموزشی گسترده و ارائه زیرساخت‌های لازم، آموزش‌های حرفه‌ای و فرهنگ‌سازی برای بانوان علاقمند به موتورسواری را فراهم کنیم. این اقدام می‌تواند نگرانی‌های موجود درباره تأثیرات ترافیکی را کاهش داده و ایمنی بیشتری در معابر شهری ایجاد کند. فراهم کردن امکان اخذ گواهینامه موتورسیکلت برای بانوان در چارچوب قانون، گامی به سوی عدالت اجتماعی و نظم ترافیکی است. امیدواریم با همکاری نهادهای قانونی و اصلاح قوانین مرتبط، این مسأله مهم به طور کامل و منطقی حل شود».

منع فقهی ندارد!

اگر گذری بر تاریخ هم داشته باشیم مشخص می‌شود که سوارکاری بانوان در تاریخ، چه در حوزه جزیره العرب و چه پس از آن در حوزه تمدن اسلامی، بر مرکب‌های مختلفی مانند اسب و شتر، انجام می‌گرفته و مخالفی هم با آن نبوده است.

گفتنی است که قرآن نیز در مورد منع چنین موضوعاتی، حکمی را عنوان نکرده است. همان‌طور که در مورد سوار شدن زنان بر اسب و شتر هم ساکت است و سنت قطعی هم در این مورد وجود ندارد. بنابراین گفته می‌شود این کار بی‌فحش است.

اما از نظر علما و مراجع دینی، دفتر مقام معظم رهبری در پاسخ به این پرسش، اعلام کرده است: «با بسط موضوع موتورسواری بانوان به موضوع دوچرخه‌سواری آنها، اگر این فعل مصادیقی از

مفسده مانند بی‌حجابی نباشد، مانعی ندارد». همچنین دفتر آیت‌الله مکارم‌شیرازی نیز بیان داشته: «در این ارتباط مانع شرعی وجود ندارد اگر مفسده و انحرافی در فعل نباشد».

پاسخ دفتر آیت‌الله وحید خراسانی نیز این چنین است: «برحسب حکم اولیه شرعی این فعل حرام نیست اما در شرایطی که به‌مثابه عرضه بانوان یا سبب تحریک نامحرمان شود، حرام است».

حجت‌الاسلام‌المسلمین محمد نصرآصفهانی، هم در گفت‌وگویی که در سایت او منتشر شده بیان کرده است: «بنده بین دوچرخه‌سواری، موتورسیکلت‌سواری و رانندگی ماشین تفاوتی قائل نیستم، زمانی که شرایط مربوط به پوشش رعایت شده باشد، اصل رانندگی، دوچرخه‌سواری، موتورسیکلت‌سواری و رانندگی ماشین اشکالی نخواهد داشت و کار پسندیده‌ای هم هست».

قابل تأمل آنکه در بند الف ماده ۲ آیین‌نامه صدور انواع گواهینامه‌های رانندگی، فقط داشتن حداقل ۱۸ سال تمام، ارائه گواهی سلامت جسمی و روانی

از مراجع صلاحیت‌دار پزشکی، ارائه گواهی طی دوره‌های آموزش نظری و عملی از آموزشگاه‌ها یا مراکز مجاز آموزش رانندگی و قبول شدن در آزمون‌های تئوری آیین‌نامه و مهارت عملی رانندگی با موتورسیکلت ۲۰۰ سی‌سی از شرایط صدور گواهینامه موتورسیکلت شناخته شده و شرط مرد یا زن بودن برای صدور گواهینامه موتور در هیچ‌کجای این آیین‌نامه ذکر نشده است و حالا با وجود وعده‌هایی برای پیگیری قانونمند شدن موتورسواری بانوان و همچنین فقدان منع شرعی و اسلامی برای این اقدام پرسش آن است، چرا همچنان موتورسواری زنان غیرقانونی قلمداد می‌شود؟

قوانین راهنمایی و رانندگی ما هنوز دارای ضعف‌هایی برای چنین مواردی است و این نواقص، موجب سرپیچی‌هایی می‌شود که نتیجه آن نیز چیزی جز بی‌نظمی و بی‌قانونی نیست. با توجه به این شرایط است که کارشناسان تنها راهکار حل این مسأله را در قانونی شدن آن با ورود یافتن نمایندگان مجلس به این مبحث دانسته، چراکه این‌گونه مبنای کار موتورسواران زن، قانونی و برخورد با پیامدهای احتمالی پس از آن هم با قانون تعریف می‌شود. چه‌بسا بانوان موتورسوار به دلیل عدم دریافت گواهینامه اقدام غیرقانونی انجام می‌دهند و در صورت بروز تصادف، جرائم فرد با توجه به گواهینامه نداشتن، ضرب می‌گیرد، حتی اگر همه جوانب قانون را هم رعایت کرده باشند. با این اوصاف به نظر می‌رسد در زمانه‌ای که زنان ایران، نسبت به استفاده از انواع وسایل نقلیه مانند خودرو تا دوچرخه و موتورسیکلت علاقه‌مندی نشان داده و توانمندی خود را در این زمینه به اثبات رسانیده‌اند. تا جایی که حتی با رانندگان اتوبوس‌ران و کامیون‌ران زن هم مواجه می‌شویم، تغییر رویکردها و اصلاح برخی از قوانین، ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

از سوی دیگر سکوت قانون، راه را برای تفاوت برداشتها باز می‌کند و اگر هر فعل یا ترک فعلی که قانون در مورد بخشی از آن مسکوت باشد (مرجع صدور گواهینامه موتورسیکلت برای مردان نیروی انتظامی است) و در بخشی دیگر آن را غیرقانونی ارزیابی کند (رانندگی بدون گواهینامه جرم است) در این صورت پدیده‌هایی که امروز به‌نوعی نوظهور به نظر می‌رسند، می‌توانند به رواج روح قانون‌گریزی منجر شوند پس شاید حرکت قانون‌گذار به سمت ایجاد سازوکار یا چارچوب قانونی صریح، برای جامعه و کشور به صواب نزدیک‌تر باشد تا از رهاورد آن شهروندان از مزایا و امنیتی که اجرای قوانین برای آنها به ارمغان می‌آورد بهره‌مند شده و البته در برابر فعل یا ترک فعل خود به جامعه و قانون پاسخگو باشند.

دیدگاه: گزارش اجتماعی

هوشیاری عراقچی

آیا طالبان به وعده خود عمل می‌کند؟



فرشید عابدی
روزنامه‌نگار

سیدعباس عراقچی در سفر به کابل پس از دیدار با وزیر خارجه و رئیس‌الوزرای حکومت طالبان در مصاحبه‌ای عنوان کرد که «رویکرد طرف مقابل در قبال آب، رویکرد سازنده و مثبتی بود».

طرف افغان تأکید کرد که حبابه براساس معاهده داده خواهد شد. مقامات طالبان تعبیر زیبایی داشتند و گفتند که اگر معاهده هم نبود، وظیفه شرعی و انسانی اقتضا می‌کرد که آب را به ایران برسانیم، یکسری نکات فنی وجود دارد که قرار شد همکاری کنند که حل شود». پیش از مصاحبه عراقچی، مشاور وزیر امور خارجه در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که «طالبان تمام امکانات فنی‌اش را بسیج کرده که آب به سمت ایران بیاید و هدر نرود». بدعده‌های، وعده‌های دیپلماتیک طالبان و بهانه‌های از قبیل خشکسالی در طی سه سال اخیر مسبوق به سابقه بوده است.

به‌رغم وجود مکانیسم‌های تعیین میزان بازپردگی و وضعیت سسال آبی در معاهده دلتا، اما طرف افغان همواره با بازدید طرف ایرانی به‌جز مردادماه سال ۱۴۰۲ مخالفت کرده و برای نصب ایستگاه سنجش آب در مرز سیستان هیچ‌گونه همکاری با کمیسار آب هیرمند نکرده است. به‌رغم وجود تصاویر ماهواره‌ای مبنی بر تأیید وجود حجم ۲ یا ۳ میلیارد مترمکعبی آب انحرافی به سمت گودزره، اما مقامات طالبان به بهانه کاهش میزان بازپردگی و خشکسالی در افغانستان از تأمین حبابه امتناع کرده است.

طالبان همواره وعده جلوگیری از انحراف آب را به طرف ایرانی دادند، این درحالی است که با توجه به ساختار سامانه انحرافی بند کمال‌خان، حاکمان افغانستان حتی اگر با انحراف آب مخالف هم باشند، پس از تکمیل شدن مخزن ۵۲ میلیون مترمکعبی آب، سیلاب به سمت گودزره منحرف می‌شود. تنها راه جلوگیری از انحراف آب، اصلاح بند کمال‌خان است که طرف افغان در جلسه اسفندماه سال ۱۴۰۲ کمیساران آب ایران و افغانستان با اصلاح بند مذکور مخالفت کرد.

هم‌زمان با بهره‌برداری از بند کمال‌خان، خبری توسط وزارت آب و انرژی افغانستان منتشر شد و یکی از اهداف بند کمال‌خان را احیای ۴۹ هزار هکتار از اراضی گودزره و اسکان ۴۹ هزار خانواده پشتون در این اراضی و در امتداد مرز ایران را عنوان کرد، این اقدام در راستای استمرار سیاست گسترش و پراکنش پشتون‌ها برنامه‌ریزی شده بود، اما از آنجایی که در ابعاد هیدروپلیتیک افغانستان با روی کار آمدن طالبان تغییری ایجاد نشد، انحراف سیلاب به سمت گودزره در زمان سیلاب تاکنون استمرار یافته و در صورت عدم موافقت طالبان برای اصلاح بند کمال‌خان، استمرار خواهد یافت.

طالبان در قبال رودخانه‌های مشترک اگر حسن‌نیست دارند، نیاز به دادن وعده برطمطراق مثل بسیج تمام امکانات فنی نیست، بلکه اجازه اصلاح بند کمال‌خان را بدهند، اگر بند کمال‌خان اصلاح نشود، در سال‌های نرمال آبی، حتی با باز شدن تمامی دریچه‌های بند مذکور، ایران حبابه‌اش را به طور کامل دریافت نخواهد کرد؛ این امر با مسأله پنجم معاهده دلتا مغایرت دارد. با توجه به رفتن طالبان، وعده رئیس‌الوزرای این گروه در جریان سفر عراقچی به کابل مبنی بر اینکه «حتی اگر معاهده هم نبود، وظیفه شرعی و انسانی اقتضا می‌کرد که آب را به ایران برسانیم» جای تأمل دارد.

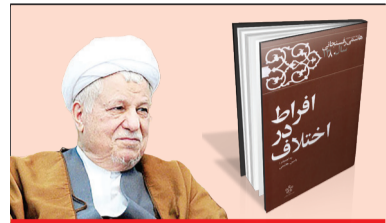
مقامات وزارت امور خارجه با توجه به فکت‌های موجود باید برای تعریف استراتژی افغانستان در قبال مسأله آب باید به این سوال پاسخ دهند: طی چند سال اخیر که سیلاب رودخانه هیرمند به سمت گودزره منحرف می‌شد، چرا طالبان به وظیفه شرعی و انسانی خود عمل نکردند؟ طالبان طی بیش از سه سال حکومت‌شان بر افغانستان بسیاری از اصول انسانی و اخلاقی را زیر پا گذاشتند، پذیرفتن این جمله از رئیس‌الوزرای طالبان مصادق بیش از حد خوش‌بینی است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیراقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌ن‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۱۹۵

ادامه شنبه ۲۶ آبان
سقوط قیمت نفت

در ایالت تنسی آمریکا، هواپیمای ناشناسی، بودر مشکوک روی شهر ریخته که باعث [اعلام] وضع فوق‌العاده در شهر شده و وحشت زیادی در آمریکا ایجاد کرده است. آمریکا اعلام کرده در خانه‌ای در کابل، اسنادی از برنامه بمب اتمی توسط القاعده به دست آمده است و ملا عمر گفته، آمریکا نابود می‌کند.

عدم همکاری غیراوپک با اوپک باعث سقوط قیمت نفت شده است. آمریکا به مناسبت حمل بخشی از راکتور اتمی بوشهر از روسیه، ایران را متهم به برنامه تولید سلاح هسته‌ای کرده است.

یکشنبه ۲۷ آبان

مرحله جدید وضعیت افغانستان

مرحله جدید وضع افغانستان با اختلاف و چانه‌زنی جبهه متحد و آمریکا و سازمان ملل همراه است. آمریکا می‌خواهد، در همین مرحله دولت موقت دیگری برای تصمیم نهایی تشکیل شود و به دنبال حاکمیت ظاهرشاه است و جبهه متحد مایل نیست، زمام امور را از دست بدهد و می‌گوید، خودش با مشورت با سازمان ملل، اقدام به تشکیل لویی جرگه می‌کند سپس مراحل بعد انجام می‌شود. [برهان‌الدین] ربانی هم برخلاف میل آنها در کابل مانده است و گویا بقیه گروه‌های جبهه متحد هم مایل به ماندن او در کابل هستند و شاید نگرانی دارند که حزب جمعیت اسلامی در کابل، یکم‌تازی کند.

آمریکایی‌ها مدعی‌اند منطقه‌ای را که فکر می‌کند [آسامه] بن‌لادن، [رهبر القاعده] آنجاست، با نیروهای ویژه محاصره کرده‌اند. در عین حال از سوی طالبان و دیگران در مورد وجود بن‌لادن در افغانستان با بیرون رفتن او اظهارات متناقضی دارند.

آقای محسن رضایی، [دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام] آمد. گفت، آمریکا در افغانستان به فکر حل مسأله عبور نفت و گاز آسیای میانه به جنوب و استیلار امکانات اتمی پاکستان و ایجاد پایگاهی در غرب چین و هند و شرق ایران است و انهدام یکی از مراکز تروریسم. گفت، فرزندش احمد در یک شرکت خصوصی مخابراتی در غرب آمریکا، مشغول کار شده است.

آقای [لطفعلی] عیوضی، مسئول اتحادیه انجمن‌های دانشجویی معتدل [= جنبش اعتدال اسلامی] آمد. از تضعیف موقعیتش در دانشگاه آزاد اسلامی با اعمال نفوذ آقای سیادتی گفت و استمداد کرد.

آقای [ابوالفضل] توکلی‌بنا، [مشاور رییس‌جمهور در امور بازرگانی] آمد. برای مدرسه علمیه دخترانه مسجد قبا استمداد کرد و گفت، سند ملک کشاورزی البرز قم را گرفته‌اند. آقای جواد آسیم (تحریربان)، [از تجار تهران] آمد. توضیحاتی درباره زمین‌های منطقه هلیجر داد که به صورت شهرک صنعتی و یا انباری درآورده‌اند و درآمد آن صرف مؤسسه حمایت از معلولان می‌شود و گفت، بردارش منصور [آسیم]، شرکت خودکارسازی استدلر را مقروض کرده و برای گرفتن وام بانکی استمداد کرد.

مبارزات در اوج

در روزهای منتهی به ۱۲ بهمن سال ۵۷ چه گذشت؟



ندهد، او را نخواهد پذیرفت. در چنین شرایطی، بختیار نهم بهمن ماه ممنوعیت پروازها را برداشت و همان روز اعلام شد که امام خمینی در اولین فرصت وارد تهران می‌شود. «اگر می‌خواهید چیزی را عوض کنید ابتدا باید قانون را تغییر دهید، وگرنه ارتش دخالت می‌کند». اگرچه خیلی دیر اما دولت بختیار همان روز اعلام کرد که کلیه روزنامه‌ها و مجلاتی که قبل از دهم مرداد سال ۱۳۳۴ منتشر شده است سپس انتشار آن دچار وقفه شده، می‌توانند طبق شرایط قانون مطبوعات تقاضای تجدید انتشار کنند. در همان روزها خبرهایی درباره لایحه انحلال ساواک از سوی دولت مطرح بود و جبهه ملی یکی از گروه‌هایی بود که نسبت به آن واکنش نشان داد و به بختیار حمله کرد: «بختیار با تقدیم لوائح انحلال ساواک و تعقیب و مجازات خطاکاران سعی می‌کند که روی جنایات صورت گرفته، پرده بگذارد و مردم را سرگرم و اغفال کند».

از مردم خواسته شد اتوبوس‌ها را آتش زنند

سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۵۷ تحصن روحانیون در مسجد دانشگاه تهران که از چند روز پیش آغاز شده بود با حضور دانشگاهیان و مردم گسترش یافت و جمعیت به حدود دو هزار نفر رسید. کمیته استقبال از امام هم در اطلاعیه‌ای از اعلام موافقت دولت ایران با فرود هواپیمای دربست ایرفرانس و بازگشت امام خمینی در ساعات ۹ صبح پنج‌شنبه ۱۲ بهمن به تهران خبر داد و از مردم خواست که برای استقبال در طول مسیر اجتماع کنند. کمیته تنظیم اعتصابات هم با صدور اعلامیه‌ای از مردم خواست تا اتوبوس‌ها را آتش زنند.

همزمان با باز شدن فرودگاه‌های کشور سه هواپیمای نظامی آمریکایی ۲۰۰ آمریکایی را از تهران خارج کرد، عده‌ای انگلیسی، بلژیکی و ژاپنی هم تهران را ترک کردند و ۸ نماینده مجلس هم از نمایندگی استعفا دادند. همزمان کارکنان سازمان امور استخدامی، دبیرکل این سازمان و معاونش را اخراج کردند و از طرفی دانشکده نفت آبادان به تصرف نظامیان درآمد. فردای آن روز بسیاری از مردم برای حضور در مراسم استقبال، خود را از شهرستان‌ها به تهران رساندند. فرماندار نظامی تهران به مدت سه روز اجتماعات مردم را آزاد اعلام کرد و دولت نیز از بسته بودن فرودگاه مهرآباد بر روی سایر هواپیما تا ۱۱ صبح ۱۲ بهمن ماه به مناسبت فرود آمدن هواپیمای آیت‌الله خمینی خبر داد.

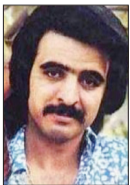
هشدار آخرین دولت

شهر تهران حالت جنگی به خود گرفت و تانک‌ها و خودروهای نظامی در خیابان‌ها به راه افتادند و هلی‌کوپترها بر فراز شهر به پرواز درآمدند. براساس گزارش رادیو کلن؛ یگان‌های نیرومند نظامی به تهران منتقل شدند و تانک‌ها و زره‌پوش‌ها درحالی که عبارت «زنده‌باد شاه» روی آنها نقش بسته بود در خیابان‌های مهم تهران به راه افتادند. شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر حکومت پهلوسی در گفت‌وگو با رادیو بی‌بی‌سی هشدار داد که با هر گونه کوشش در جهت ایجاد دولتی دیگر شدیداً مقابله خواهد کرد. او گفت که دولت نمی‌تواند تحمل کند که صدها هزار جوان بیکار و سرگردان همه روزه آشوب و اغتشاش در

تقویم

خواننده ممنوعه

یادی از فریدون فروغی



فریدون فروغی از جمله هنرمندانی بود که هم در دوره پیش از انقلاب با سانسور و ممنوعیت در حوزه موسیقی مواجه بود و هم در دوره پس از انقلاب. بچه‌ای از جنوب

تهران که شرایط سخت زندگی در آن محله‌ها اساس و پایه ترانه‌هایش شد اما با وجود آن همه استعداد و علاقه ۲۰ سال از خواندن محروم ماند. نهم بهمن سال ۱۳۳۱ به دنیا آمده بود و اگر زنده مانده بود حالا ۸۲ سال داشت. فروغی فعالیت‌های موسیقایی خود را از نوجوانی آغاز کرد و در کافه‌ها آواز می‌خواند و به ستاره کلوب‌های شبانه تبدیل شد. او را از پیشگامان موسیقی راک در ایران می‌دانند که علاقه زیادی هم آن داشت. او جز آواز در نوازندگی پیانو، کیبورد، گیتار و گیتار الکتریک هم مهارت داشت اما زمانی به شهرت رسید که در فیلم سینمایی آدمک آواز خواند. تورج شعبان‌خانی، آهنگساز و تنظیم‌کننده‌ای که با او رفاقت نزدیک داشته، گفته است: «فریدون در همان سال‌ها علاوه بر اینکه می‌خواند، درام می‌نوخت و بعدها خودش با همراهی گیتار آناش را اجرا می‌کرد. در آن زمان خوانندگان بسیاری فعالیت داشتند؛ اما فریدون با همه‌شان فرق می‌کرد.

او سخت‌گیری بسیاری در انتخاب ترانه‌هایش داشت و علاوه بر آن همان آغازین روزهای فعالیتش، سبکی مخصوص به خود را داشت. او بسیار متفاوت از دیگران می‌خواند و از همین روی طرفداران بسیاری پیدا کرد. ترانه‌هایی که در فیلم هری‌تاش را خواند، من اجرا کردم که به نظر همچنان جزو موفق‌ترین آثار این هنرمند شد. در واقع حضور او در فیلم آدمک او را در سطح گسترده‌ای به جامعه معرفی کرد. او می‌گوید، فریدون به معنای واقعی یک موزیسین با استعداد بود: کار کردن با او بسیار راحت بود. خودش ملودی را می‌گرفت و می‌خواند؛ اما او در زمان زنده بودنش با مشکلات

بسیاری روبه‌رو شد. بسیار به او بی‌اعتنایی کردند و تا سال‌های سال اجازه فعالیت به او ندادند و در همین ممنوعیت از کار هم مسرد؛ اما بلافاصله بعد از مرگش همه به یادش افتادند. هیچ‌کس نمی‌داند که فریدون در سال‌های آخر عمرش در چه تنگنای شدید مالی زندگی می‌کرد؛ اما با این وجود اینجا ماند؛ چون عاشق کشورش بود». فروغی نخستین

آلبوم خود را با نام «زندان دل» به بازار عرضه کرد اما پس از انتشار دومین آلبومش در سال ۵۴ به علت اجرای ترانه «سال قحطی» از طرف حکومت پهلوی به مدت دو سال از فعالیت منع شد. سال ۵۶ پایان دو سال ممنوعیت کاری او هم‌زمان شد با باز شدن فضای سیاسی بنابراین سومین آلبوم خود را با نام «سال قحطی» به بازار عرضه کرد. انقلاب که شد در ایران ماند و یک سال بعد کنسرت اجرا کرد اما مشکلات او هم آغاز شد. سال ۱۳۵۹ ترانه «یار دبستانی» را برای تیتراژ فیلم «از فریاد تا ترور» اجرا کرد اما بدون آنکه خبری از ابلاغ ممنوع‌الکاری او در میان باشد به کارگردان فیلم اعلام کردند که باید صدای فروغی را از تیتراژ فیلمش حذف کند. صدای فریدون فروغی از تیتراژ فیلم حذف شد و از آن به بعد تا سال ۶۱ هم چند اثر دیگر منتشر کرد اما گویا عملاً ممنوع از فعالیت شده بود. ممنوعیت‌ها ادامه

داشت تا در نهایت اسفند ماه سال ۷۷ در تالار حافظ دانشگاه کیش کنسرتی برگزار کرد اما با کنسرت او در شهرستان‌های دیگر موقتاً نشد، اگرچه تابستان ۷۸ و پاییز ۷۹ دوباره در کیش برنامه‌ای اجرا کرد. شرایط برای فریدون فروغی همچنان سخت و پر از ابهام بود و وقتی کیومرث پوراحمد او را به عنوان بازیگر برای پروژه فیلم «گل بیخ» درخواست داد با مخالفت روبه‌رو شد. همان سال‌ها سرانجام کاسه صبر فروغی هم انگار لبریز شد و سیزدهم مهرماه ۱۳۸۰ در منزلش در تهرانپارس درگذشت درحالی که تنها ۵۱ سال داشت.